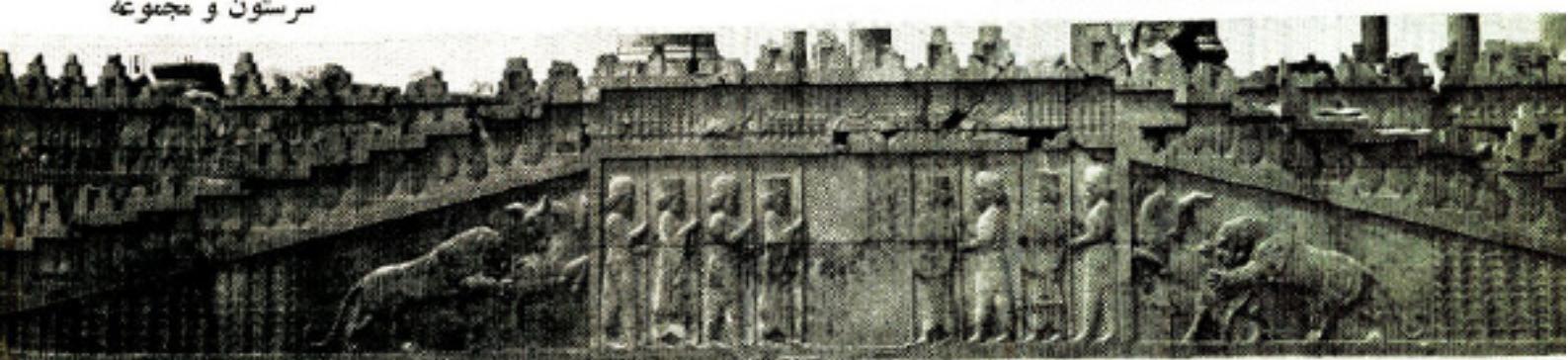


نمایی از پله‌های در ورودی تخت جشید

سرستون و مجموعه



باقی نگذاشتند. بنابراین تمجید اگر من بشما یک گویی معماري تخت چمشید رانمی توان با معماري هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران مقایسه نموده این یک هنر و طرز فکری بود که با نخستین پادشاهان هخامنشی بوجود آمد و با از میان رفتن آنها از میان رفت. هنر ساختمان ایران واقعی همان کنیده‌ها و گهواره‌هایی است که از چند هزار سال پیش در این سرزمین‌ها معمول بوده و ساختمان های زیبای اصفهان و فیروز آباد‌ها و سروستان‌ها و طاق‌کری‌ها بوجود آورده است. آیا میتوانید مسجد شاه اصفهان یا مدرسه مادرشاه را با تخت چمشید یا شوش مقایسه کنید از حیث مصالح و سعی شکل خارجی و داخلی و از بسیاری موارد دیگر مساجد اصفهان و دیگر ساختمان‌های ایران در دوران اسلامی با ساختمان‌های دوره هخامنشی قابل مقایسه نیستند این ساختمان‌ها بیشتر با روح شاعرانه ایرانی گردیده‌اند بیشتر هترشان در زیستی است که در آن بکار برده شده و در صورتی که در ساختمان‌های تخت چمشید و شوش زیست قسمت بسیار کوچکی از هنر ساختمانی را شامل است و تمام زیباتی آن در شکل‌ها و خطوط افقی ممزوج با خطوط افقی است هنر تخت چمشید مردانه است و کوشش ندارد با یکار بردن رنگ‌ها مارا پفرید در صورتی که هنر اصفهان یاک دنیا شعر و لطافت و خطوط منحنی و پیچاندیزی است که ممکن بود هیچ‌گاه مورد سایقه شاهنشاهی مانند دارووش واقع نیشد.

هرچه هست، تخت چمشید امروز مانند شاهزاده بارزی از افکار بلند کوروش بزرگ هوس شاهنشاهی ایران است که به سبب خصایص اخلاقی بی‌مانتدش حتی مسورد تمجید دشمناش فرار گرفته است و کاملاً سزاوار است که ما امروز به بهترین نحوی از او تجلیل کنیم ولی آقایان معمارانی که امروز فریغه اصول دیگری هستند که آنها هم بجای خود مورد احترام و پسند مانند فراموش نکنید که معمار گمنامی هم این ساختمان‌های مجلل را برپا کرده، بدون اینکه حائز شود حتی نام خود را برای شما فاش کند.

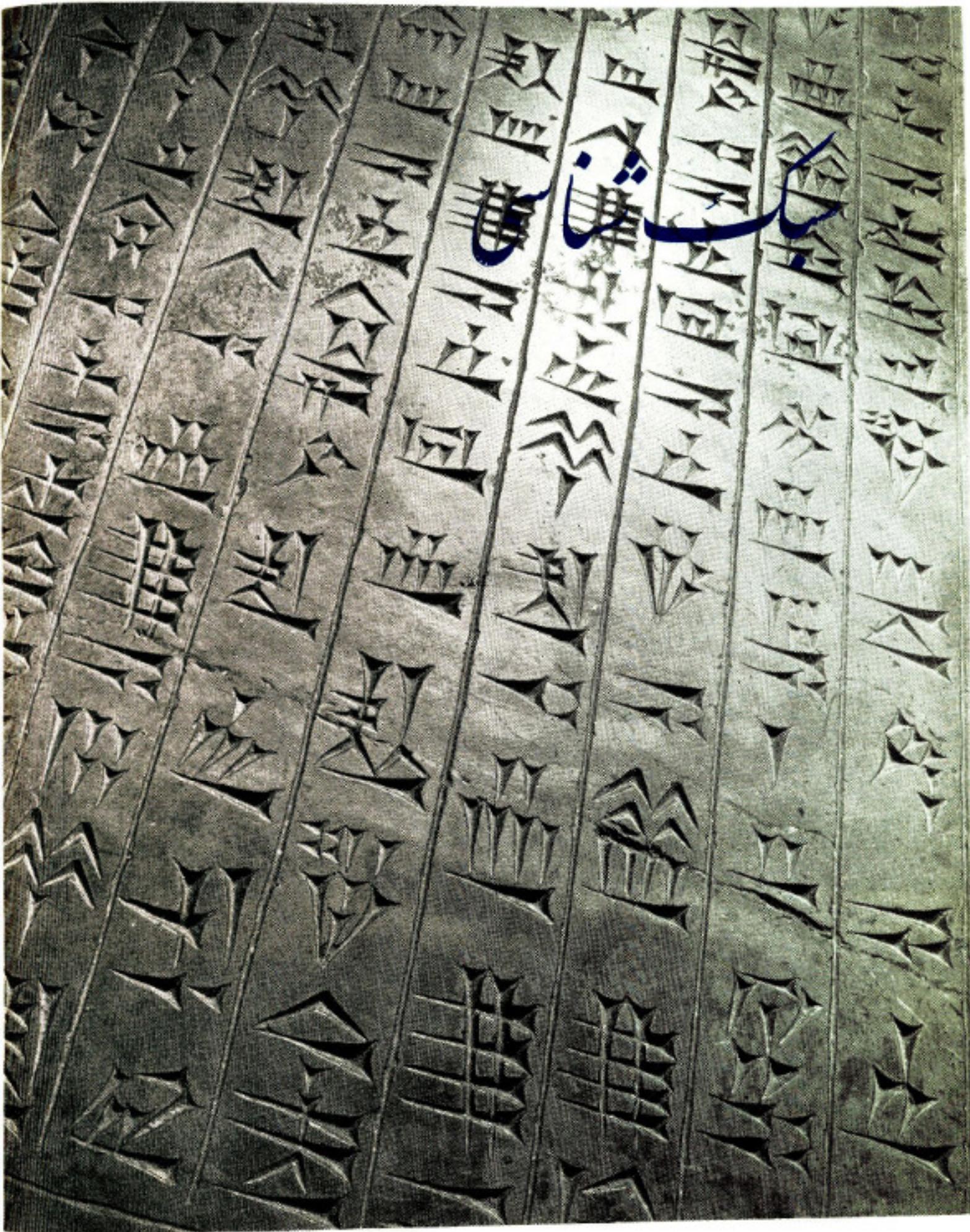
عیسی‌بن‌نم



در واقع خانه‌ای که با ستون چوبی یا سقف چوبی و کاه‌گلی بنا شود بسیار فناور دیگر است، چوب را موریا نه میخورد و پس از چند سال بام فرو میرزد بنابراین باحتمال قوی در قلعه ایران خانه‌های که با بام گهواره‌ای یا گبد پوشیده میشند بسیار معمول بوده، باید تا زمان اشکانیان منتظر شد تا ساختمان هایی نظری کاخهای فیروزآباد و سروستان پدیدار شود که حداقل استفاده را از گهواره و گبد پسندید و در سطح کاخهای هخامنشی ساختمان‌های بزرگ و با شکوهی بازند. بهترین نمونه ساختمان آجری با گبد و گهواره قسمت هایی از کاخ‌های مجلل تیفون است که با اینکه بخش ناچیزی از آن مانده ولی بهره جهت نشان میدهد که سازندگان زمان ساسانی موفق گردیده بودند فضای بسیار بلند و وسیع را بدون بکاربردن ستون برپا نمایند اما داریوش از معمارش چیز دیگری میخواست، او میخواست از آشور و مصر و یونان و ماد و حتی اورارتو در این ساختمان‌ها نوشهای دینه شود او می‌خواست تخت چمشید جنبه جهانی داشته باشد.

داریوش بر انجام فکر ش موفق شد زیرا نمایندگان تمام ملتهای جهان به تخت چمشید آمدند و درباره فکر بلند داریوش قضاؤ نمودند، فکری که با اصول شاهنشاهی بزرگ کوروش از هر جهت تطبیق میکرد روزی که ساختمان‌های تخت چمشید را تمام شده معرفی کردند شاهزاده بروی تخت بلندش همانطوری که در نقش بر جسته خراfe داریوش که امروز در موزه ایران باستان است نشان گردیده و همانطوری که در سردر های سه دروازه و صد ستون نشان داده شده است جلوس کرد خشایارشاه پسر کوچک ترولی لایق ترش که فریادشاهی داشت و از طرف مادر به کوروش بزرگ میرسید در کارش ایستاده بود و تمام اعیان مملکت که منحصر از ماد ها و پارس ها بطور مساوی ترکیب یافته بودند بله ها را آهسته و صحبت کنان با یکدیگر بالا رفتد، از هر ملی چند نفر از سرانشان یعنوان نماینده در آن روز بار میافتند، هر کدام از آنها را یک نفر از اعیان پارس یا مادی با کمال مهر بازی بطرف تخت پادشاه راهنمایی میکرد تمام این نمایندگان بدون استثناء نقش از خود را در میان تقوش بر جسته تخت چمشید میتوانستند بیانند و این برایشان افتخار بزرگی بود افتخار شرکت در شاهنشاهی ایران این تقوش را آمده و تا امروز هنوز برای ماقمه است زیرا امیراطورهای بزرگ بیزور شمشیر و حتی آنده که دیری تیائیدند و نام نیک از خود

از مجموع تخت چمشید یک نوع بود



سبک شناسی

از : کریم پیرنیا

● تا چندی پیش هنر ایران بعنوان سبک هنر مستقل شناخته نمیشد. هنر های پیش از اسلام ایران در ردیف هنر اقوام پیش-التهرين و هنر های بعد از اسلام جزو آثار مهاجمان غیر ایرانی در صفحات فرهنگها و دایرة المعارفها منعکس میگردید.

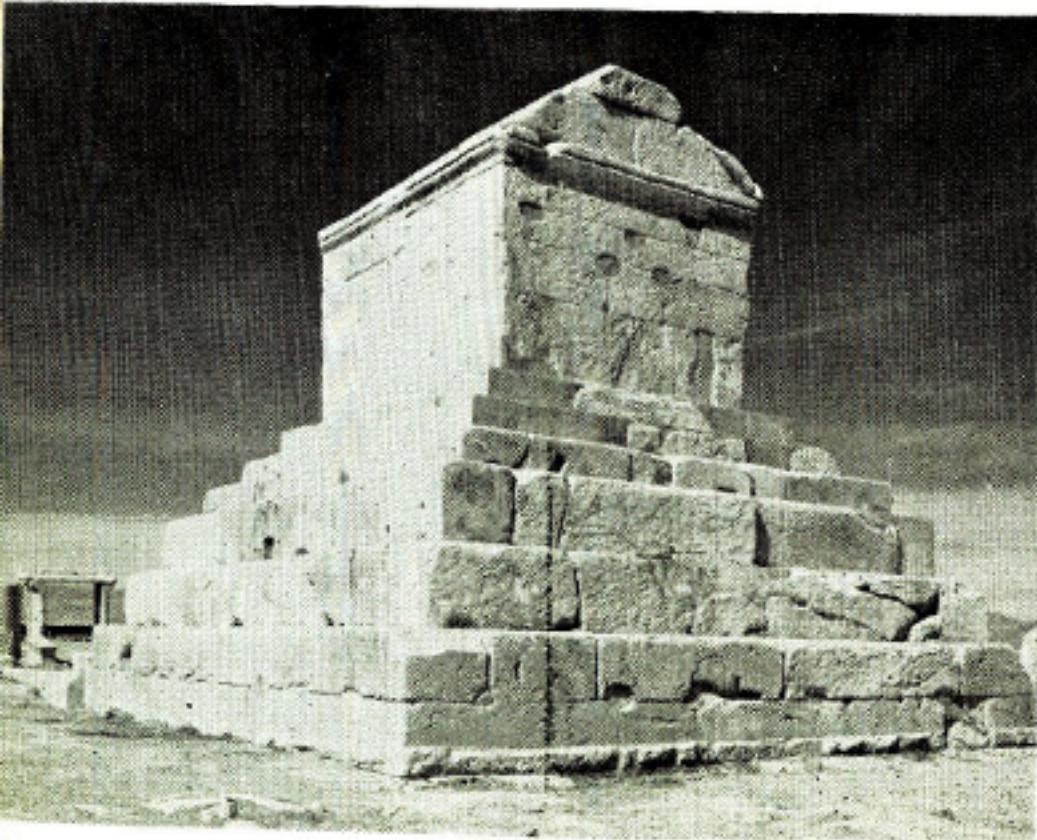
آثار تمدن و هنر ایران بطور غیر مستقیم به اطلاع داشتندان و هنر دوستان با خبر زمین میرسید و بدینجهت شاید این داشتندان حق داشتند سرستون تخت جمشید را در لوحة آثار آسورستان ورخیام در گاه های آن را در ردیف هنر مصری جای دهند و با سرستون استوداهای مادی و پیش از مادی را به نامی که مدت‌ها با آن آشناشی داشتند «یعنی یونیک» بخواهند، ولی امر ورز چنین اشتباہی چه عمدآ و چه سهوآ دلیل بر کمالگاهی و بی خبری است و وقت آن رسیده است که واقعیات تمدن ایران پاسان که بحق نام «خوبیرث» یا ناف زمین گرفته و «کهوار» تمدن‌های بسیار آریانی و غیر آریانی بوده است هوره بررسی دقیق علمی قرار گیرد.

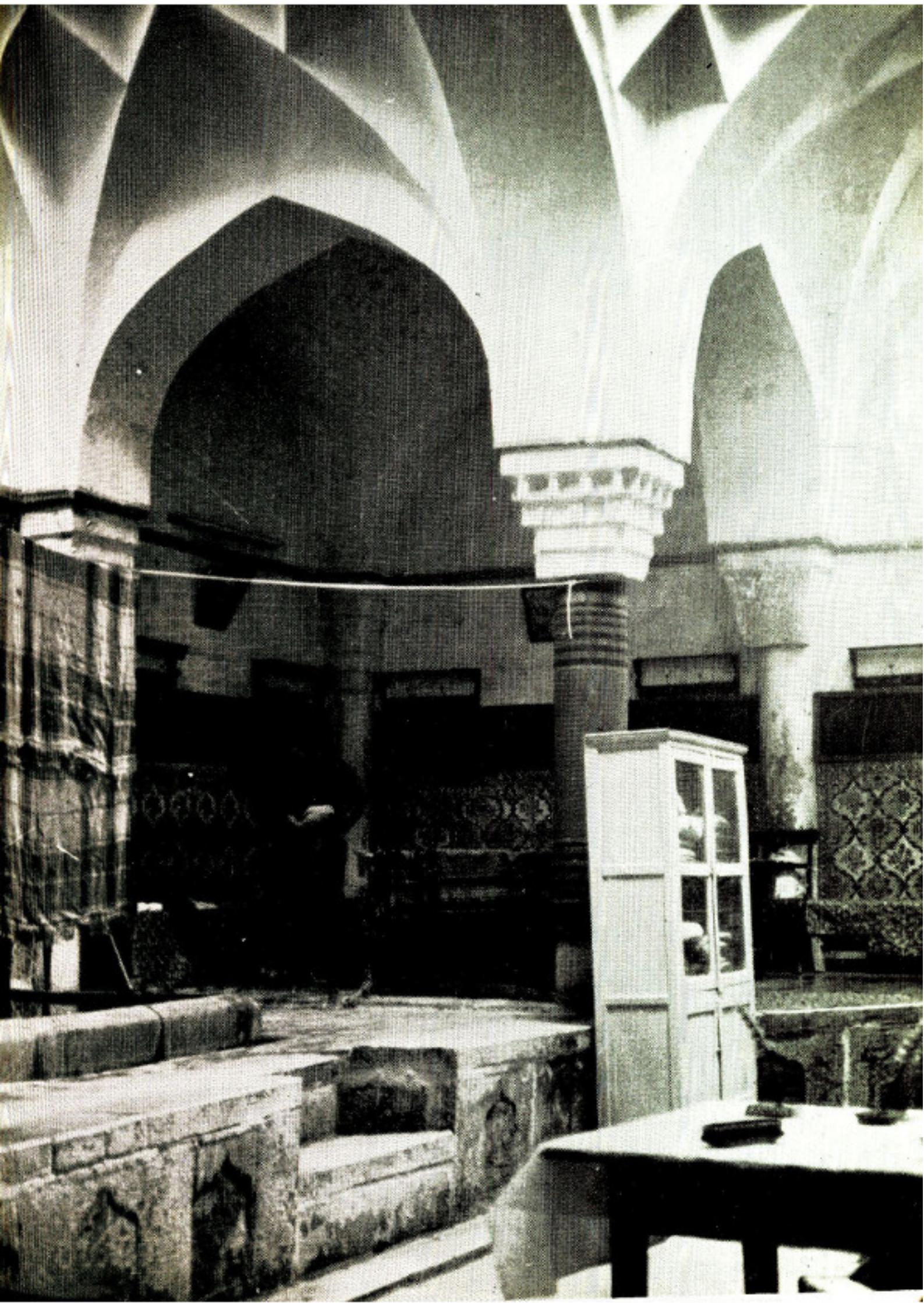
یکجا از مطالبی را که باید زودتر از مباحث دیگر موره بررسی قرار داد سبک شناسی معماری ایران و طبقه بندی سبک‌های مختلف آفست.

متاسفانه از آنجا که تاکنون سبک‌های مختلف معماری ایران بطور پراکنده و توسط داشتندان غیر ایرانی مطالعه گردیده است، نامهایی بر آنها نهاده شده است که چندان مناسب نمی‌نماید. و حال آنکه سبک های شعر فارسی که توسط داشتندان ایرانی موره مطالعه و سه‌بندی قرار گرفته است دارای نامهای منطقی و مناسب می‌باشد.

شعر فارسی دری ماقنده معماری بعد از اسلام ایران ابتدا از خراسان آغاز شده است و هر پارسی زبانی در هر جای جهان به این سبک سروده باشد می‌گویند شعر او سبک خراسانی دارد ولی در معماری ایرانی چنین از قبیل ملاحظه شده است و اغلب برای چند بنا که

عکسی از تخت جمشید - آرامگاه کوروش کبیر





مشخصات و خصوصیات سبک پارسی به

این شرح است :

- ۱ - استفاده از سنگ پر بد و منظم و پاکترش و گاهی سیقلی و تهیه بهترین نوع مصالح از لحاظ مرغوبیت و رنگ و دوام از هرجا که میسر بوده است.
- ۲ - آماده کردن پایه بست بنا بالاکه سنگ و سگریزه و گاورس دست ساز و پی سازی و پی کوبی و بنای ساختمان بر رزوی سکو و تختگاه.
- ۳ - نهادن ستوнаها در حداقل فاصله ممکن و تا ارتفاع بسیار چشم گیر و آرایش سروتونها با جزئیاتی که برای بردن بار آسمانه (۴) و فرسپ (۵) های چوبی کاملاً متناسب و منطبق باشد.
- ۴ - پوشش با فرسپ و قبر و تیرچه چوبی سخت و پر بد و درود گزیده شده. (۶)
- ۵ - آرایش طار می بلکنها کوتامو مالرو با نقشهای پر جسته و کنگرهای زیبا و متناسب.



آنکشیدهای نظر



چهارتیل

عکس صفحه ۵۴ : حمام گنجعلی خان

بیک سبک ساخته شده نامهای مفوایی، تیموری، فرمقویونلو و غظایر آن انتخاب گردیده است (۱) ایرانی با داشتن داستانها و افسانه‌های غز و دلکش مانند ورجمکرد و پیدایش کیومرت (زنده میرا) و سرودهای آسمانی و متند اوستا هر گز اصرار ندارد که شهر نشینی و تمدن از این کشور آغاز شده و تا پیدایش دلایل کافی اصولاً این گونه مطالب را عنوان نمی‌کند.

معماری (چنانکه تعریف شده است) ترتیب و پیوند اجزای ساختمان است که با نظم و تناسب در کنار هم پرداخته شود. شاید واژه فارسی رازی گز که بجای معمار بکار می‌رفته و مشتق از رژورایش (ترتیب دادن و منظم کردن) است، بیشتر بتواند معماری را تعریف کند.

با اذعان به اینکه قبل از تشکیل شاهنشاهی هخامنشی در ایران و پیرون از ایران، آثار و بناهای بسیار به شکل و سبک و طرحهای گوناگون ساخته شده است و اغلب آنها از نظر هنری بسیار ارزشمند است. این حقیقت را نمیتوان اتفاق کرد که پرای نخستین بار در سرزمین پارس اجزای گوناگون ساخته شده که هر یک معمول محل و قومی بوده بدلست رازگری توافق و هنرمندانه چنان در هم آمیخته است که شگفتی آن هر بیشتر را بر عین اگزیزد.

ساخته شده سناوه و چهل ستون پیش از ایران در پیاری از نقاط جهان متناول بوده است ولی پرای نخستین بار در پیاری فاصله ستوتها تا حد امکان زیاد شده و ارتفاع آنها افزونی پائمه و فضای بین آنها وسیع شده است در سوریکه گاهی اوقات فاصله دو ستون مصری بدون اغراق مساوی یا کمتر از قطر آنهاست. بجز این میتوان گفت دلیل ظهور معماری در روزگار هخامنشیان پیدایش یک نیروی بزرگ و دست یابی به سرزمینها و منابع پیشماری است که قبل از تشکیل شاهنشاهی هخامنشی موردمتابهی نداشته است (۲) آوردن چوب از جبل عامل و قندهار، تهیه لاچوره و زر و سیم از سرزمینهای دور، پریند و نقش آنداختن سنگها با تعداد محدودی هنرمند محلی شاید پیش از این روزگار امکان نداشته است و از همه بالاتر ذوق و علاقه و زیباییستی آزادی با فرش و زیر دست پروری و پرهیز از جور و ستم بر کارگران و یگانگار گرفتن هنرمندان و دست و دلیازی و رزبهشی پارسی تأثیر بسیاری در پیدایش هنر معماری داشته است (۳).

در ایران پیش از اسلام تنها دو سبک بخش میخورده نخست سبک پارسی که در سرزمین پارس به وجود آمده است و دوم سبک پارتی که از پرشو برخاسته است.

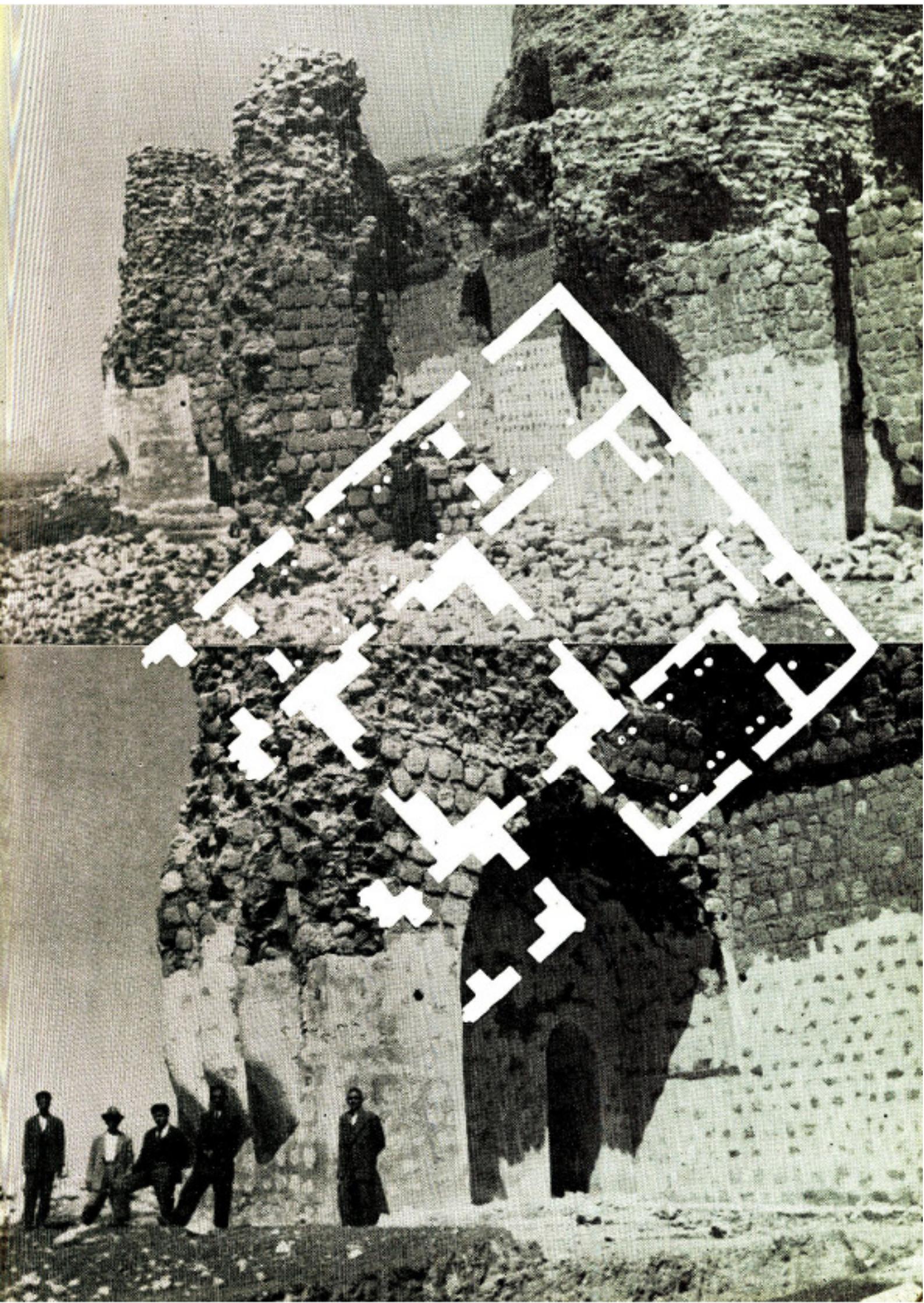
۱ - تصور شود که برای نمی انتساب بنائی به سلجوقیان یا سلسله‌های دیگری که تبارشان غیر ایرانی است تعجبی در گار باشد. غز نویان، سلجوقیان، ایلخانیان، بوداییان، و ترکمانان نیز مانند سامایان، بوداییان، صفویان، و زندیان هر یک از یک گوشاهی از ایران برخاسته اند و همه ایرانی و بعضی از شاهان این خاندانها مایه افتخار و سربلندی ایران هستند بلکه اعتراض بر این واردات است که چرا باید سیکهای معماری مانند شعر به زادگاه خود منسوب شود و چرا چند اثر یک سبک، منتهی در زمانهای مختلف و در محلهای مختلف ساخته شده است، بنام واقعی خود معروف نباشد و در تیجه این گرفتاری پیش آید که برای یک سبک ساخته شده این نام بی مورد انتخاب گردد.

۲ - هنر بومی پیوند، خام است و چون امرود کوهی است که تا پیوند نخورد آنی بر نمی دهد، و سر زیبائی هنر ایران نیز تاثیر از همه آثار هنری پیشینان است: ۳ - معماری پارسی متعلق به سرزمینهای است که در روزگار هخامنشیان پارس پرگان را تشکیل میدادند.

۴ - سقف

۵ - تیربار بر سقف

۶ - فرورفتگی بست گاوهاهی سرستون برش چوب را تائید میکند.



۶ - پرش دقیق و ظریف در گاههای
و آرایش سردرها با استفاده از زغره (۷) های
دادی و پتکانهای (۸) مصری .

۷ - ساختن دیوارهای جدا کننده با
خت خام و آرایش داخلی و خارجی آن
با رنگ و کاشی فرمه نهاده دار .

۸ - پرداختن فرش کف با بهترین
صالحی که در آن روزگار یافت میشده
است .

۹ - آرایش پیرامون تجرها (۹)
در رهها (۱۰) و اپدتها (۱۱) با استخراج
آبنا و پریدن .

۱۰ - ارتیات آشیخانه و مستحبات

فرعن - باراهای پنهانی - با بنای اصلی .

۱۱ - تعبیه سایبان و آذایگیر منطبق

و خروجی برای ساختمانها (۱۲) .

سیک پارتنی

پس از تشکیل شاهنشاهی اشکانی طبعاً
بنای معابر و محلی نخست در سرزمین
پارت و پس از آن در سرزمین ایران پربار
شد . با اینکه طبعاً میباشد هنر پارتنی تا
حد زیاد تحت تاثیر یونانیانی که پیش از
آنها بر ایران حکومت داشته اند قرار گیرد و
بنای بخصوص یک توخت و با آسمانه مطلع
احدات گردد میبینیم که شرایط اقیانی و
طرز زندگی و سلیمانی ، پیش از آن در سیک
پارتنی عورت بوده است .

معماری پارتنی با توجه به خاک ترددبار
(موریانه دار) ایران بخصوص خاور و جنوب
خاوری و اشکال تهیه چوب بلند و سخت در
داخل کشور احداث طاق را که از روزگار
های کهن در این سرزمین معمول بوده است
دوباره رایج گرد . طاقهای تخم مرغی را
در شمال ایران و به گوشی گلکلی مرغانه
(مرغانه پرست) میگویند . که نام پسیار
مناسبی برای این گونه قوس است و به نظر
می آید کلمه طاق نیز از ته (بوش و هاگ)

۷ - ازارها و چفت‌های پیرامون
در گاه

۸ - پرجستگی روی دیوار و ابزار
بر جسته

۹ - سرپوشیده و بویژه مهمانخانه

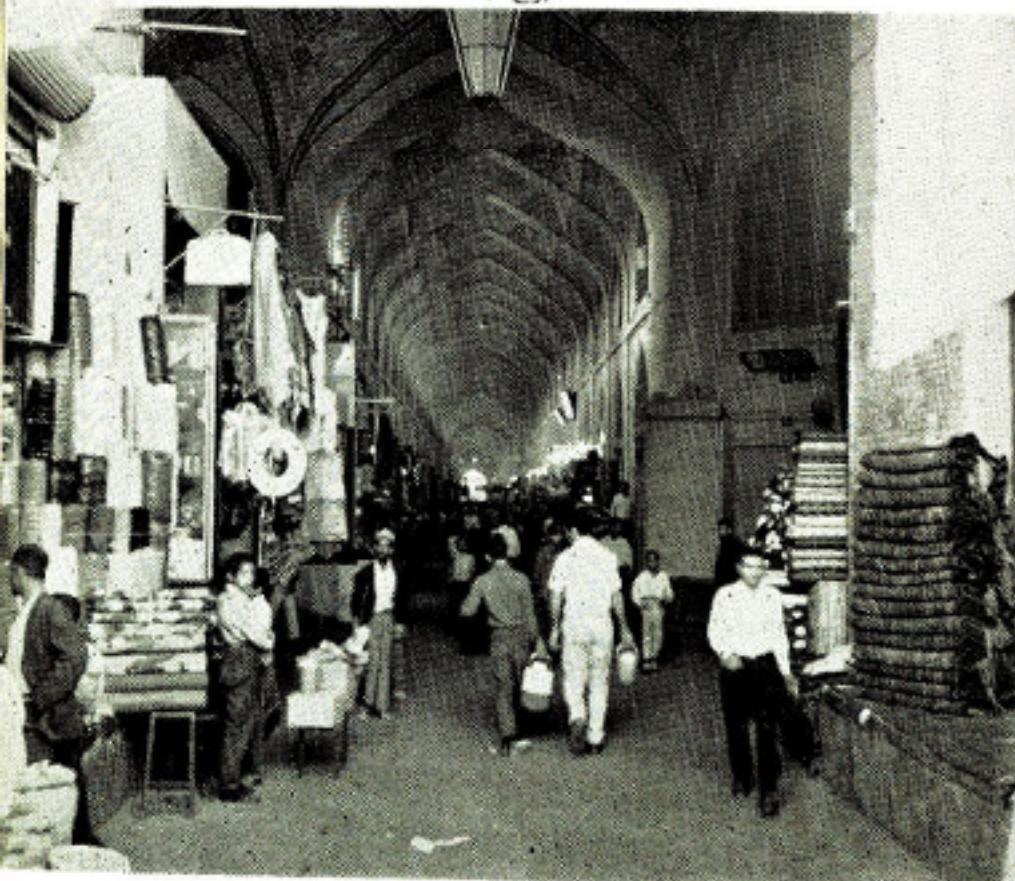
۱۰ - تشنیم

۱۱ - گنبدخانه و عمارت اصلی

۱۲ - تاکون تصور از در گاههای پادشاهی
روشن میشده ولی با توجه به ساختمانهای
ایرانی بعد از اسلام که در بالای در گاه
روزنهای مشبك دارد میتوان فرض کرد که
روشانی بناهای پارسی بنحوی شبیه به آن
تأمین میشده است .

برج رادگان

بازار و کیل شیراز



که بمعنای حقه و تخم مرغ است) گرفته شده باشد. (۱۳)

این نوع طاق را در چغازنبیل و فردیک آن در هفت په (۱۴) میتوانیم دید و تردیدی نمیتوانیم داشت که پوشش ساختمان باطاق و بخصوص طاق مرغانه بومی ایران بوده است (۱۵).

نوعی دیگر از قوس معمول پارتی، کالیل (۱۶) است که بعدازسلام هم حتی تازمانها با اندکی تغییر بکار رفته است. این نوع قوس رانیتوان طاق نامید و در واقع طوقویی است با پوش کردن و نماندن دیوار. تا حد امکان دعاوه درگاه را تنگ میگردد و سپس در کلاله آن جیبله میزند، همنا قوسی که فرنگیان آن را (کوزی) و

معماران ایرانی جناغی میخوانند (شاید جناغ ایزار زن از ریشه خن بمعنی ناوک باشد) اصل پارتی دارد و اینکه بعضی تصور میکنند پس از اسلام در ایران رایج شده است صحیح نیست، چون در نقش جام ساسانی که بستان یا کوشکی را نشان میدهد، هر مندقت کرده است که در گاههای وروندی را (۱۷) جناغی بسازد در صورتیکه قوسهای دیگر همه مرغانه و نیمگرد است.

بنابر این بجرات میتوان اینها کرد که جناغی و کلیل دو پدیده معماري پارتی است. بکار بردن طاق در بنا تاثیر زیادی در طرح آن دارد و معمار ناجار است برای پیش گیری از راشن رواق پر زرک طاقهای کوچکتری دربیک یا دو اشکوب طرفین آن بآزاد و بالآخره این راشن را چون موجی جنان ضعیف کند که در روی حز آخرين چندان ازی نداشته باشد.

انتقال راشن که سب طرافت وزیانی بنا و نازکی و نفری پایه ها و جریزه های میباشد، معماري طاق ایرانی است و تاکنون هم ادامه دارد و در کلیه مساجد و مدارس بکار رفته است (۱۸).

معماری پارتی با طاق زنی و مصالحی سخت و تراشیده و منظم آغاز شده و تا پایان فرمائروانی اشکانیان تقریبا بهمین صورت ادامه یافت ولی با پیدایش شاهنشاهی ساسانی

بنی امیه در سرتاسر قلمرو عرب بنائی ماختند مگر در خاک ایران آنروز (مسجد کوفه و مسجد شوشت) در قلمرو بنی امیه از کلیساها و قصرهای روم شرقی استفاده نیستند. در خارج از خاک ایران هم اگر لازم بود بنائی شود بست ایرانی صورت میگرفت. داستان تعمیر خانه کعبه بعثت رازیگران ایران و پدیده آمدن موسیقی عرب بر بنای آواز بنایان (بیان راهه) و عنوان شادر وان برای حصار کعبه و کلمات عرب ایه = بقعه، قصر، مسکره قلعه، طرز، رباط، راث، طوبیله، جوش و بسیاری جزوی های دیگر که فرصت آن در این جایست، همه مؤید آنست که سبکی بنام عربی هرگز وجود نداشته است.

پس از آنکه ایرانیان، پیغمبر را یکمان آنکه به ایران مهری دارند بروی کار آورند. معماران ایرانی را واداشتند که برای خلفای باصطلاح ایران دوست و سرداران ایرانی دایر مدار مستگاه خلافت مسجد و کاخ و خانه بسازند. و برای اشاعه معارف اسلامی که دیگر بسیار غنی شده بود هدره و تکیه و خانقه و بیمارستان و نظایر آنها پر پا کنند.

نخست میباشد برای نگهداری آثار گذشته فکری کرد، ناجار در آغاز کار رازیگران (۲۴) و دیسایان (۲۵) که دیگر نام معمار و بنا برخود نهاده بودند، دست بکار، احیا و بازسازی کاخها و بستانها شدند.

مهدی را در مسکره ماه اسیدان و هارون را در بستان سنایاد جای دادند و محض احتیاط بقعه باز پیراسته سنایاد را به پیکر پاک پیشوای بزرگوار خود آراستند که تا جهان هست جاوید بماند.

معماری پارتی لبغستانی بار در خراسان با اندازه هائی مردم و ارتق و نزول، چنانچه اسلام میخواست زندگی تازه بیسی را آغاز کرده و کم کم در سراسر سرزمینهای اسلامی میداند و دیگر شناختی نمیمانند که طرز پیشگیری از راشن را با مصالح معمولی نان دهد.

رواق را بطالعه میکند با توجه به این که در زمان ساختمان پنا بتون مسلح در کار نیویه است از آغاز آن را محکوم به فنا

۱۹ - معبد

۲۰ - عمارت بیلاقی بیرون شهر
۲۱ - مثلا برای تعظیم نام پادشاه حیره او را (رب الخورق والدیر) لقب داده اند.

۲۲ - حصار

۲۳ - قبه

۲۴ - معمار

۲۵ - بنا

معماری پارتی باوجود «بارهه» (۲۶) منتهای شکوه و جلال خود رسیده کاخها و بستانها با طرح های متعدد و با ارتفاع غرور آمیز و جبروت هرچه تماضرت چشم پیشنه را خیره میگرد و بعضی از آنها تماثاگر را به راس میانداخت و کار عظمت صاحبیان پیش از همه راییج بود. اغلب کاخهای ساسانی بنام اسید دز معروف شده است.

معماری پارتی در روزگار ساسانیان به وکنگرهای و کوههای (۲۷) بلند و محشمش و خارج از مقیاس بعلت داشتن سخن ها و حیاطهای دوربسته و گوشوارها و مرد گردها خودمانی دلیاز بوده و باعدها و گرفته ای های پیرامونش بهشت را روی زمین آشکار میگرد. این سبک، با شکوه و ایهت و استواری و پایداری خود توانست با وجود شکست نظامی ایران و ویرانکاری متعصبانه تازیان تا فرداها پس از اسلام باید بطوری که سلک معماري قرون اوایله اسلام را چیزی جز ادامه همین سبک نمیتوان پنداشت.

آفتاب اسلام از باختیر فر سرزمین ایران تافت. ایرانیان که از دیر زمان با یگانه پرستی و پر هیز از دروغ دروند و پیکار با بت پرستی و جادو خو گرفته بودند زودتر از همه دین نو را که منی بر تقوی و پر هیز و آرامش و آزادی بود پذیرفتند.

در صدر اسلام و حتی در زمان حکومت

۱۶ - قوس که خیز معروف بایرانی
۱۷ - جناغ در دخمه پارتیان کهنه در کومش نیز دیده شده است.

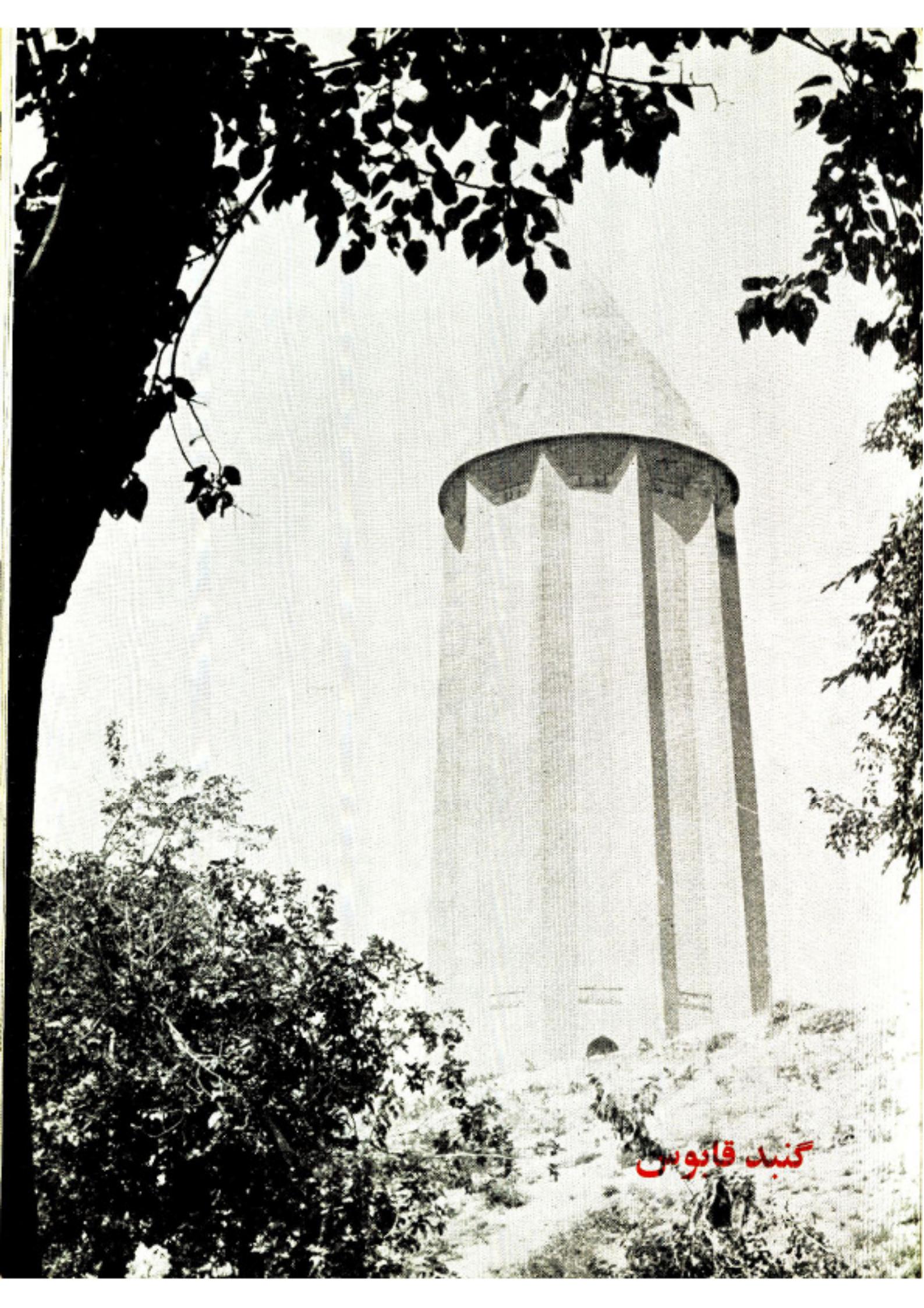
۱۸ - کسانی که توصیه میکنند برای

تعمیر و حفاظت مساجد و مدارس از تجدید طاق غرفه ها و گوشواره ها خودداری شود در اشتهاشند و با این توصیه، متعلق معماري ایران را تحمله میکنند. چه اگر برای نگهداری یک رواق از هو و کلاف بتون مسلح و آهنی و نظایر آن استفاده شود، چند صباحی بعد پستانه س که روش معماري

۱۳ - در بسیاری از شهر های ایران بخصوص دامغان هنوز هم به تخم مرغ، مرغانه میگویند و در کلیه خاگینه مuttle است.

۱۴ - توسط باستانشناسان ایرانی کاوش شده است.

۱۵ - اگر منحنی فشار و راشن - خط فشار - طاق - و به اصطلاح میانتاز - که تاچه حد این شکل طاق منطقی و اصولی است.



گنبد قابوس

آن روز منتشر شد . (۲۶) بهر حال در آغاز اسلام ، معماری ایران بسیار نظر و مردم وارتر شد . خراسان هم چنان که زادگاه شعردری است گهواره معماری ایرانی اسلام یعنی همان خراسانی نیز هست و شگفتانگی که با اندکی کم و بیش همان سبک کوئن پارتنی است که از تواخاسته و برنگ و آرایش دیگری در آمده است .

اگر بنایی از نو هم ساخته میشد باز تفاوت چندانی از لحاظ رنگ و طرح با بناهای پارتنی نداشت ، تنها تفاوت چشگیر آن دگرگونی آرایش و سادگی و آرامش آن بود . از امکاه امیر سامانی با پستنی که در جام ساسانی نقش شده است هیچگونه تفاوتی ندارد ، مانند آن در گاه جناغی دارد ، طاقتما های آن هلالی و مرغانه است ، یک گنبد بزرگ بر روی طاقه دیس (۲۷) آن بهاده شده است و چهار کیه (منتهی بنام قبه) ولی تور و بصورت بازماندگی از جامخانه های گوشوار بنای پارتنی جای دارد .

ستاوندیهای (۲۸) آن شاید برای اینکه مردم وارتر شود حذف گردیده و بدین ترتیب نموده است برای هزاران بقیه از امکاهی که در سرتاسر ایران پرپایی کرده اند .

سبک خراسانی :

سبک خراسانی تا روی کار آمدن شاهنشاهی دیلمیان و بوئیان در سرسر ایران زمین و پیروان از ایران گنوی معمول بوده است . پس از روی کار آمدن بوئیان مرکز قدرت و حکومت از نواحی مختلف خراسان به ری منتقل شد و از آنجا به فارس و بغداد و خوزستان رفت .

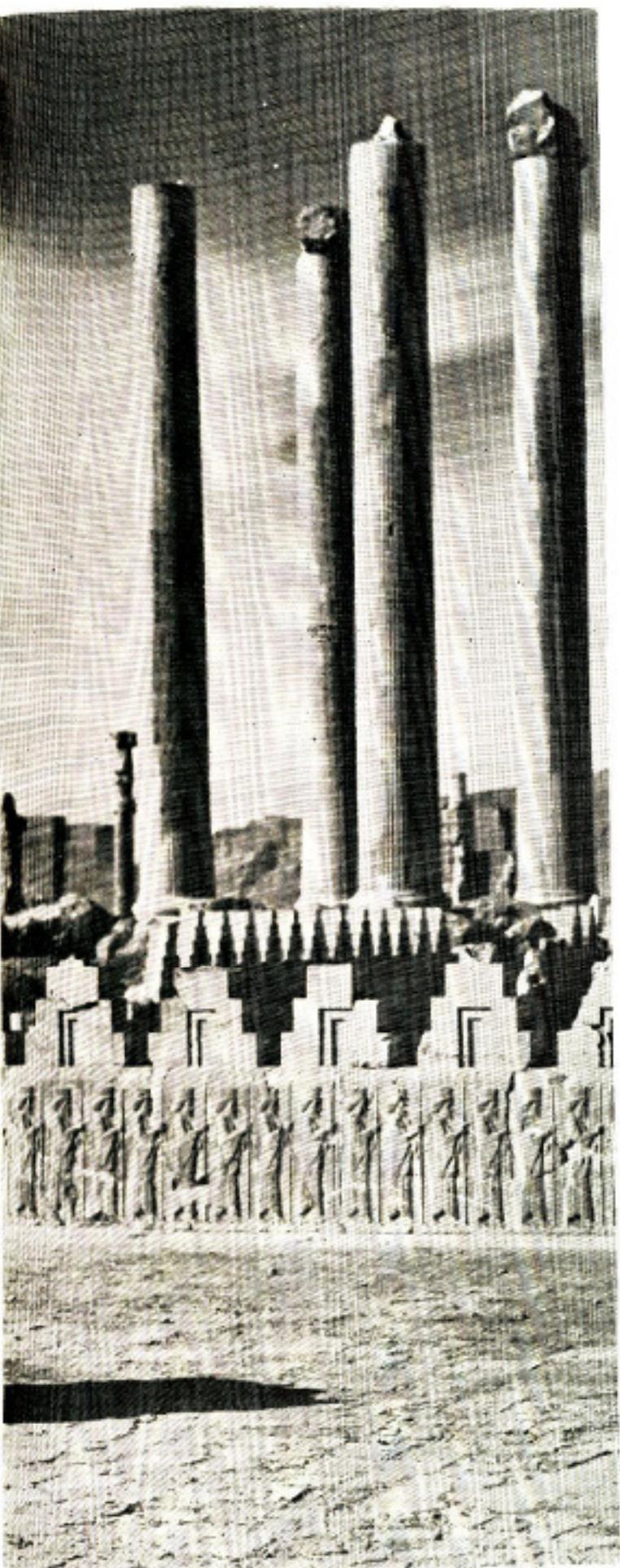
بوئیان بر تری جوئی ایران را پیش از دیگران پاس می داشتند و بحق من خواستند که چاشین شایسته ساسایان پاشند .

گنبد های رک را در زادگاه خود دیده بودند که بر فراز گوشکهای پرج ماتند خود نمائی می کند و بر جهانی که هنوز شکوه ساسای خود را از دست نداده و در قلعه و فرماز وائی اسپهبدان آزادانه سر بر آسمان کنیده بودند توجه ایشان را بخود جلب کرده بود . معماران را وداشتند که در ساختمان مساجد و عمارت و خانه ها و بیمارستانها به هیأت با شکوه این عنامر و

۲۶- حدیثی از مولای متفیان نقل شده است که خانه بلند تراز دوقدم انسان جایگاه شباطین است . اگر چه نمی توان به صحت این حدیث اطمینان داشت ولی تا حدی طرز تفکر نو مسلمانان آن روزگار در مورد معماری می رساند .

۲۷- گنبدخانه - فضای بزرگ زیر گنبد

۲۸- چهل ستون و تالار ستون دار



جزئیات دیگری که در بنای‌های دیگر شهرستان های ایران ملاحظه شود چشم داشته باشد.
بین گوته سبک خراسانی ، با شکوه بیشتر و آرایش و پیرایه زیباتر و پر کار تر ، جای خود را به سبک رازی داد .

شاخص این سبک گنبد های رک و نار (مخروطی و پیازی) بر روی مقصوره های بلند و پر شکنجه (۲۹) با طاقچهها و کاوه ها و رفها و رسمندی و ترمیه و شکیج های فیل پوش پر کار گاهی تاک و گاهی دوپوش و گاه مجنف و کامضاعف (بدون خشکاشی) است که به تناسب اقلیم و آب و هوا بنا شده است . آرایش بروزی اغلب با گره سازی آجری بصورت جسمی و گاه با رزجیستی و بند کشی آراسته و مهر شده و آرایش درونی با گجری و مقرنس و خوانجه واقعی (نه آویخته) نازک کاری بنا را تکمیل کرده ، گهگاه هم کلاوکهای کاشی یا نرمه آجر در آمیخته و هتر معقلی را بوجود آورده است .

سبک رازی :

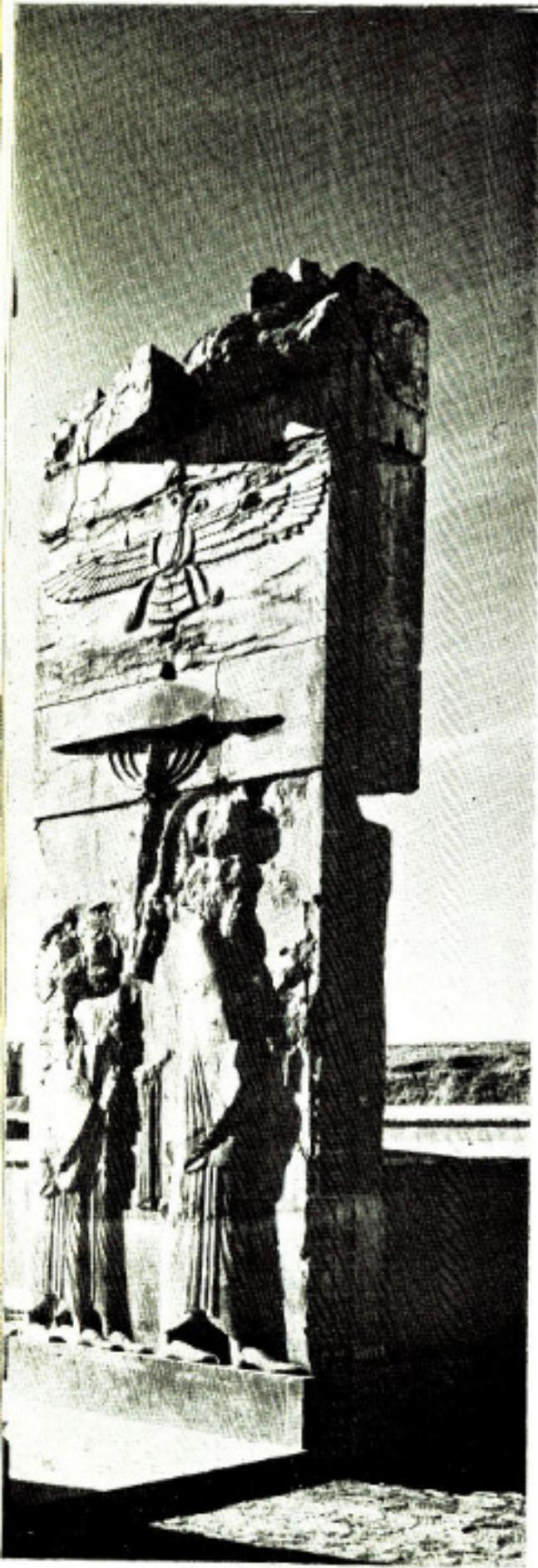
سبک رازی سبکی محتمم و منطقی و استوار است و بهمین دلیل تا قدم قرن پیش از حمله مغول که هنوز شهر یاران ایران حشمتی داشتند معمول بوده و شاهکار هائی مانند گنبد قابوس ، برج معروف به طغرل ، مسجد جامع اصفهان (قسمت اصلی) بنای اصلی و سر در چقه حضرت عبدالعظیم (که بنزارگی باز یافته شده) مسجد زواره ، پرجهای رادکان ، پرجهای خرقان ، پراساس آن پدید آمده است و چون اوچ ترقی آن در زمان ساجوقیان بوده ، به نام ایشان معروف شده است .

سبک آذری :

با حمله مغول و کشت و کشتار و ستمگری و ویرانکاری این قوم در دوره هرج و هرج و آشتگی و خود کامگی حکمرانان محلی ، هنرمندان ایرانی از دل و دماغ افتادند « کی شعر ترانگیز خاطر که حزین باشد » معمار چگوته میتوانست با آشتگی و پرشانی هنر نمائی گند .

پس از حمله مغول ، ایران بهمان روزگاری افتاد که پس از افراض ساسانیان دچار شده بود ، منتهی چون مغولان دینشند که با خود نیاورده بودند تعصی هم نداشتند که با ظاهر فرهنگ قوم غلوب مبارزه کنند ، جز آنچه دستخوش آتش توحش شده بود ، آثار دیگری که ارزش چیاول و غارت نداشت تا ناقدازی می محسون ماند و بعد از آنکه هلاکو در مراغه مستقر شد ، بهمین وزیر ایرانی اش معماری ایران جان تازه می گرفت ، بنای های مذهبی و دیوانی با همان سبک رازی احداث گردید ، ولی دیگر

Vues de l'ancienne mosquée Djome d'Andabili





معمار سر آن را نداشت که بنا را از پای بست
پیارا بد و رقد رفته آرایش‌های جسمی از میان
رفت . تماها با خشت و آجر معمولی و طاق
نمایها با سفید کاری ساده ساخته شد و هر
قدر کشور آرامتر و فرمائی‌واریان بیگانه
ایران تر و رامتر میشدند آرایش بناها از
بیرون و درون بیشتر و زیبا بر میشد .

متاسفانه ربع رشیدی و شب غازان
تبریز و دارالشکای بیزد حلقه مفقوده‌بی در
ساده بناهای مراغه (ماهند برجهای آرامگاه
و مساجد عز الدین و خواجه‌نصری) و بنای
آرامگاه خدابنده در سلطانیه است و گرفته ترقی
و ترثیّن الحاقی و پیرایه‌های معماری این سبک
را میشد پتیریب پیشرفت مطالعه کرد بعضی
را گمان بر این است که گویا معماران مغولی
نویعی گنبد سازی را از چین با این آورده‌اند
این گمان خطاً تا حدی حق بچاند ایران شده
است که داشتمدنی چون شادروان عباس
اقبال را اینز به گمان انداخته است بطوري
که در تاریخ مغول خود این موضوع را
تصریح کرده است کسانی که این عقیده را
اظهار کرده‌اند گنبد مدرسه خیانیه شهرستان
بیزد را که بتصویر جامع جعفری در سال
۶۲۳ هجری و مغارن ظهور چنگیز ساخته
شده است نذیده‌اند و یا رحمت آنرا بخود
نداشته‌اند که مثلاً گنبد سلطانیه را با گنبد
چهلیه گرمان یا هارونیه طوس مقایسه کنند
و در نتیجه سبک آذری را که از مراغه آغاز
شده و راه تبریز و سلطانیه را پیموده و
بسار ایران و خارج نفوذ کرده است سبک
مغولی نام نهاده‌اند . سبک آذری چندین قرن
بزندگی خود ادامه داده و هر روز آراسته
تر و زیبا تر شده و شاهکارهای زمان
فرزندان تیمور را بدست معماران شیرازی
و اصفهانی و تبریزی بوجود آورده است .
همانطور که پاریسان در راه خود به
ستاوندهای جویی و آسمانهای مسطح
آذربایجان برخورده و این سبک معماری را
با طرح کلاوه‌های (۳۰) گردی پارس برده‌اند
امیران و سران و خواجگان دستگاه مفول
و ایلخان تیز علاوه بر سبک ساده و بسی
پیرایه آذری سبک دیگری را پوشش مطحنج
به نوچی دیگر بوده و هر کجا که هوا افتخا
میگرده رواج داده‌اند این کار بار دیگر
هم توسط شاهان آذربایجانی (۳۱) صفوی
انجام شد با توجه به این مطلب یک بار دیگر
مالحظه میشود با منسوب ساختن نوع ساختمان
با هیأت‌های گوتانگون و حتی با بوش‌های
مقابله که در زمانهای مختلف ساخته شده
است بیک قوم خاص ، چه دشواریهایی در کار
سبک شناسی معماری ایران پدیده‌ی آید .

۳۰ - کلیدهای گلی دو اشکوبه
۳۱ - ستاوندهای جویی بسطام در
اصفهان و شیراز ، زاده چهلستون های
مراغه و بناب است .



گزینیں فریز کنید

از مشخصات سبک آذری، ریزه کاری
بنا با آجر سنگ و خشت رُزجین و پوشش
لولهای و کجاوهای ایوانها و سادگی
شگها و فیل پوشاهای زیر گنبد و ترین
داخل و خارج بنا با آجر کاری تئیپ بش
ساز و گره سازی و گجری بر کار و هم
چنین آرایش محرابها و کتبه های چشمگیر
با قطعات کاشی و با نقش بر جسته و در پایان
بکار بردن کاشی معرق و کاهی اوقات نقش
و نگار زر و لاجورد و شنگرف در داخل
بناست.

پلهای تخت جمشید

مقارن با رواج سبک آذری در شهرستان
های جنویی بهخصوص آبادیهای پیرامون یزد،
ساختن گنبد بدون کاربندی رسمی و شکنجی
بر روی ترک بندی که در آغاز اسلام معمول
بوده است از نوراییج میشود و نیز کاشیکاری
معرق با همه دقت و ظرافتش نضج میگیرد.
نموده کاربندی را که به یزدی سازی معروف
است در خانقه بندرا آباد یزد و نموده کاشی
معرق بسیار فلریف را در مسجد متصل بهمان
خانقه و نیز چهل دختران کاشان میتوان
دید.

سبک آذری در زمان فرزندان شاهزاد
بد اویج ترقی خود میرسد و بعدی پرداخته
و آراسته میشود که میتوان قسمت اعظم
زیبائیها و درخشندگی های ایران را مرهون
این سبک دانست.

شاهکار هایی که به این سبک بوجود
آمدند اند بسیار مشهورند و شوونه آنها آرامگاه
خدابنده، مسجد گوهر شاد، جامع و رامین،
جامع یزد، جامع نظر، مسجد خواجه تغیر
مراغه و تعداد بسیاری از امامزاده ها است که
در زمان حضوری به آرایش آنها افروختند.

سبک اصفهانی:
پس از آنکه فرزندان نیمور قدرت
خود را از دست دادند، سلطوت حکومت
مرکزی نیز از هم پاشیده و اقتدار پیش
قدرت طلبانی افداد که هر یک به گوشهای از
ایران تاخته و مستکاهی برای خود فراهم
ساختند در میان این فرماتروایان ترکمانان
قرقویونلو بیش از همه به احداث بنا های
معتر و زیبا و باز سازی و پیرایش آثار
گذشته‌گان توجه داشتند و از میان این
دوره از لحاظ تناسب و دقت در آرایش
منابهند بنظر می‌آید که فرماتروایان آن
روزگار شخصاً در انتخاب سبک بنا دخالت
داشتند و یا صاحبینظرانی خوش سلیقه را
مامور این کار کرده بودند.

مسجد شاه ولی تفت (که تمام آرایش
آن فعلاً فرو ریخته و گچ اندود گردیدند)
و مدرسه شهاب الدین قاسم طراز در یزد کمی
بیش از دوران جهات شاه قرقویونلو ساخته
شده است. گنبد خوش اندام آن که دو پوش
بیوسته است، روی یزدی بندی می‌ترک



ESCALIER DE L'APADANA

روی طاق‌ها و حتی کانه‌ها (۳۲) و بسیاری از این قبیل که طبعاً معمول تعجیل و مبوء نارس سازندگی است و این چیزی نیست که بی‌سابقه باشد. در ایران هرگاه پرگی نوانا و آیادگرست بکار سازندگی با مقیاس وسیع شده است ناچار یک نوع بی‌پروانی و بی‌باکی گریان هنرمندان را گرفته و تازمانی دراز رها نکرده است. بکار رفتن لاده سنگ تا پرداخته در کاخهای ساسانی و کاشیهای خشتی و هفت رنگ در بنایهای صفوی همه محصول ضرورت و تنگی زمان و فراوانی آثاری است که ساختمان آنها در زمانی کوتاه اضطراری بوده است. با وجود این عوامل یاد شده نیز برای خود محلی دارند و نمیتوان همه آنها را بعلت خاصی طرد کرد.

سبک اصفهانی آنقدر پیراسته و آراسته است که تاکنون نیز ادامه دارد. (۳۳) در بنایهای زندیه همان سبک اصفهانی بی‌کم کاست بکار رفته و بعداً هم چیز تازه‌ای جز تقليید بی‌حاصل از بنایهای یاک نواخت و مستوری باختز زمین بوجود نیامده است تا بتوان نام سبک بر آن گذاشت.

با این همه در میان آثار زمان قاجار نیز طرحهای کودکانه و گاهی شاعرانه تاک تک بچشم می‌خورد که خالی از لطف و ظرافت نیست. همانطور که تمند دیرتر از مرکز به شهرستانها می‌رسد خوشبختانه انحطاط هم مدتی بطول می‌انجامد تا رهیار شهرستانها شود. بطوریکه در دوران انحطاط معماری زیباترین تیها و کوشکها و گرمابه‌ها در قم و کاشان و بیزه و گرهان ساخته شده است و قمعه‌های ارزشمند تیپرگ، تیمجه امین‌الدوله کاشان، باغ خان نفت، بازار و کیل و مدرسه و حمام ابراهیم‌خان در کرمان است.

اصفهان نشاند ولی احضاف را از رگر اصفهانی بهتر و دلکشتر از همه کس این گوهای گرانیها را درهم بتكانند و این حق را بدست آورده که سبک رایج آتشان بنام شهر او شهره گردد.

سبک اصفهانی همه زیبائی و طیازی است. اصفهان شهر معماري نیست، دکه گوهری است. مسجد کبود پرداخته و پروردید در دل مسجد شیخ لطف‌الله جای گرفته است و ستونهای مراغه و بناب نظر تر و دلفربیت شده و آسمانه ستاوتند های جهانستون و عالی قایورا بردوش نهاده‌اند. رواقها و غرفه‌های مسجد شاه و مدرسه مادرشاه - ایوان و طاق نیستند، دست آور رنجهای هستند که با گوهرهای بهشت پتکانده‌اند. گبدهای مسجد شیخ لطف‌الله و شاه و چهار باغ گویه‌ای از فیروزه و لاجورد هستند که گبده چرخ کبود را به جوگان زده‌اند.

با وجود همیزی‌بائی سبک اصفهانی دارای تاییصی هم هست که در سکه‌ای بیشین وجود نداشته است مانند خواجه‌ها و زیربوشهای آویخته و دروغین، بی مبالغه و جرات بیشتر از حد معقول در پوشش گبدها و بخصوص کلام فرنگیها آزادی و بی بند و باری در نهادن جرزها و ستونهای پاربر بر

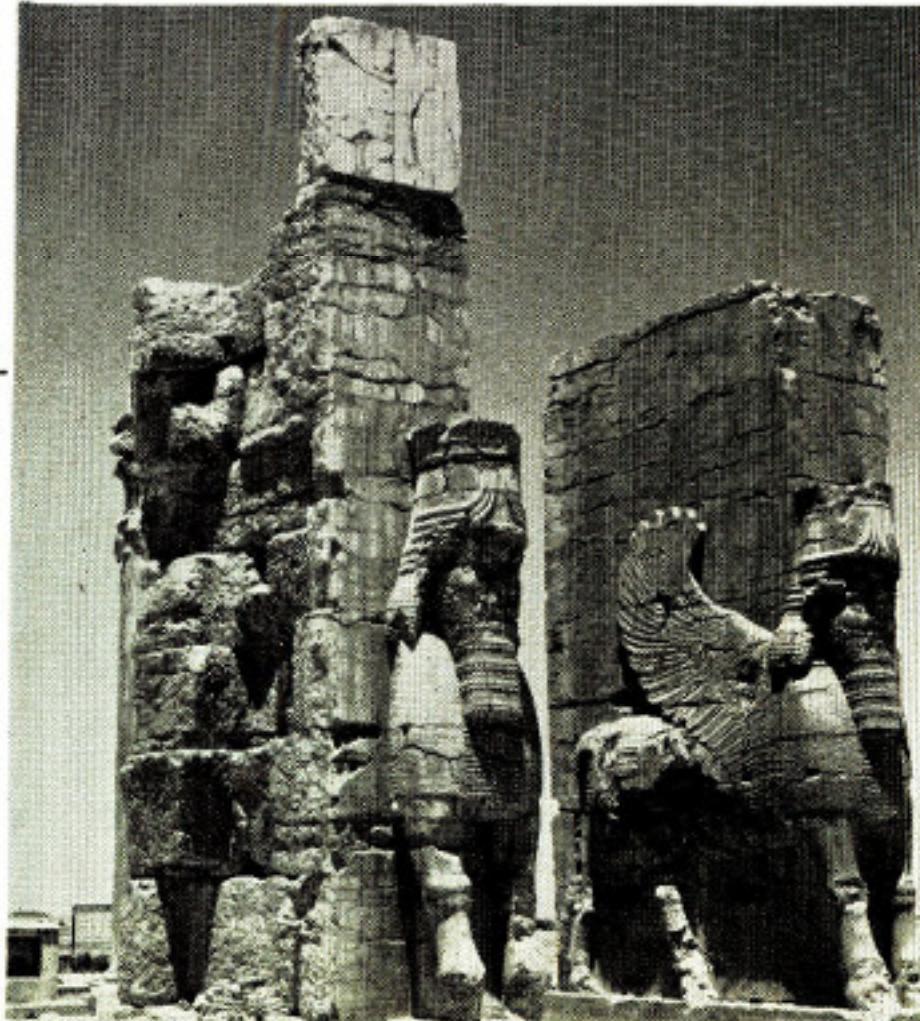
نهاده و زمینه چهارگوش نیز گبده بی‌هیچ چین و شکنجی جبر و گرد شده است و حتی یک خط نیز در آن دیده نمی‌شود. در گاهها و روزهای اندامزه‌ای خوش اندام و زیباست که حدی بر آن متصور نیست.

کمی بعد همین طرز کار در کاروانسرای مجاور مسجد میدان کاشان به فرمان جهانشاه و دخترش تقلید شده است هر کجا جزوی اطلاعی از فن معماری داشته باشد با مطالعه تناوب طاقهای علاف خانه این کاروانسرا در می‌باید که قطعاً معماری مدت‌ها روی تناوب های آن مطالعه کرده و سپس به اجرای آن دست زده است.

با همین مسافر خوش اندام را می‌بینیم که در مسجد کبود تبریز طلاز تر و خودنمایی می‌کند. گویا فیروز اسلام بر ازنه ترین نامی باشد که بر این اثر بی‌مانند تهاده‌اند.

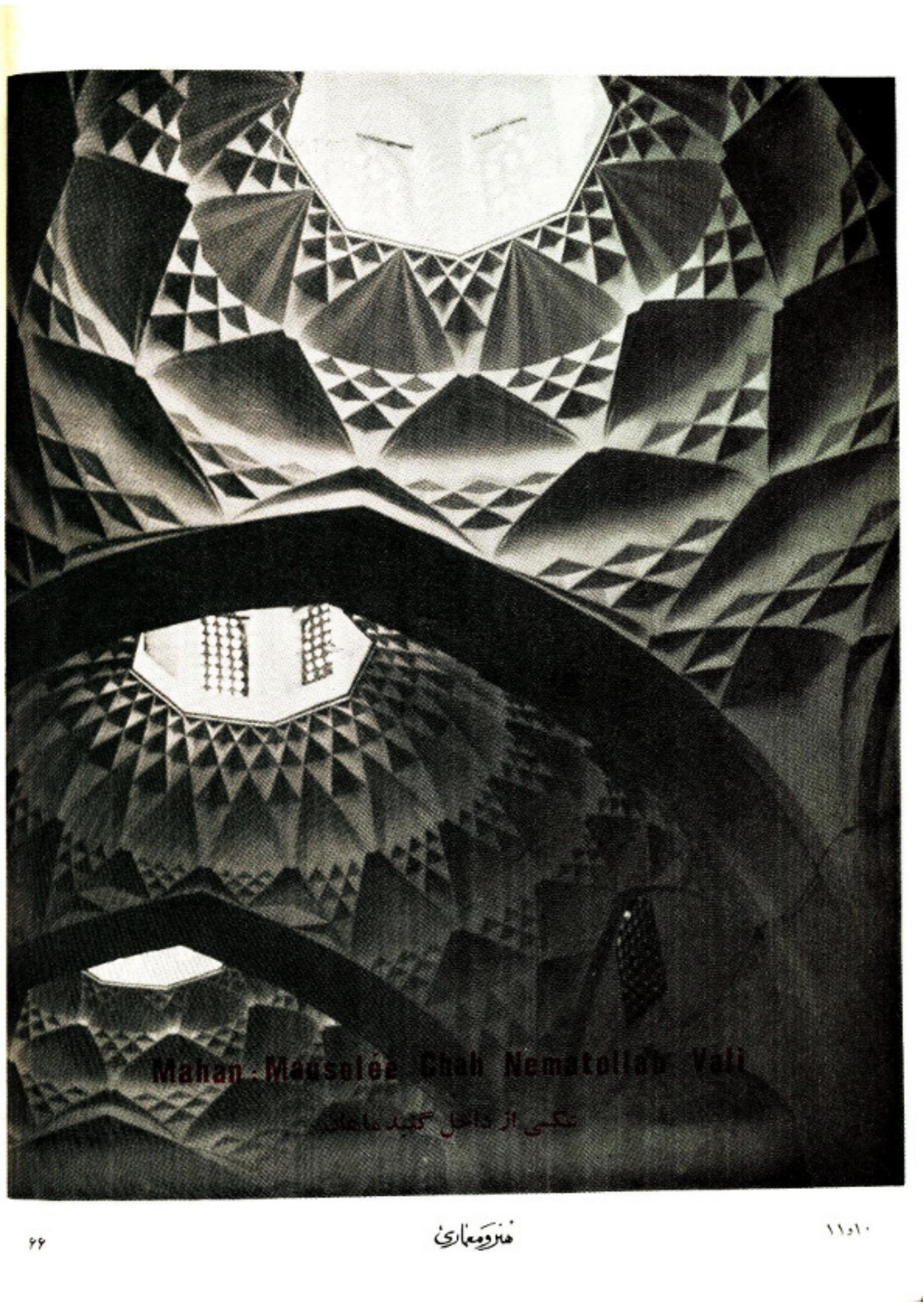
تا اینجا هنوز این سبک ظریف و شاهانه به اصفهان نرسیده و در راه شاه اسغیل به انتظار نشته تا همراه کوکیه او برای خود رهیار گردد.

شاهان صفوی از آذربایجان برخاسته‌اند و طبع زیبایی‌شان زیبایی‌های کیلان و آذربایجان را چون نگیشی در حلقه آثار نظر گلسرانی‌های قزوین و کاشان و ری و



۳۲ - طاقهای کوچکی که روی طاق اصلی و بمنظور تسطیح با مزده می‌شود.
۳۳ - متناسبانه تقليید و ادامه سبک اصفهانی در روزگار ما گاهی چنان بی‌متعلق منحط است که بیننده را آزار میدهد.

□



Mahan : Mansgée Shah Nematollah Veli

تکسی از داخل گردید ماهان



باد گیر و خیشخان

از: کریم پورنیا

بادگیر و خیشخان

ابر اینان که در خاستگاه و خانمان تختین خود چشم سار های پاک و رودهای نیز و هوای خوش و کشتار های زیبا داشتند، چون با برآن شهر رسیدند رخت افکنند و کوشیدند تا هر چه را در خاستگاه خود داشتند، در میهن تازه خود نیز پدید آورند.

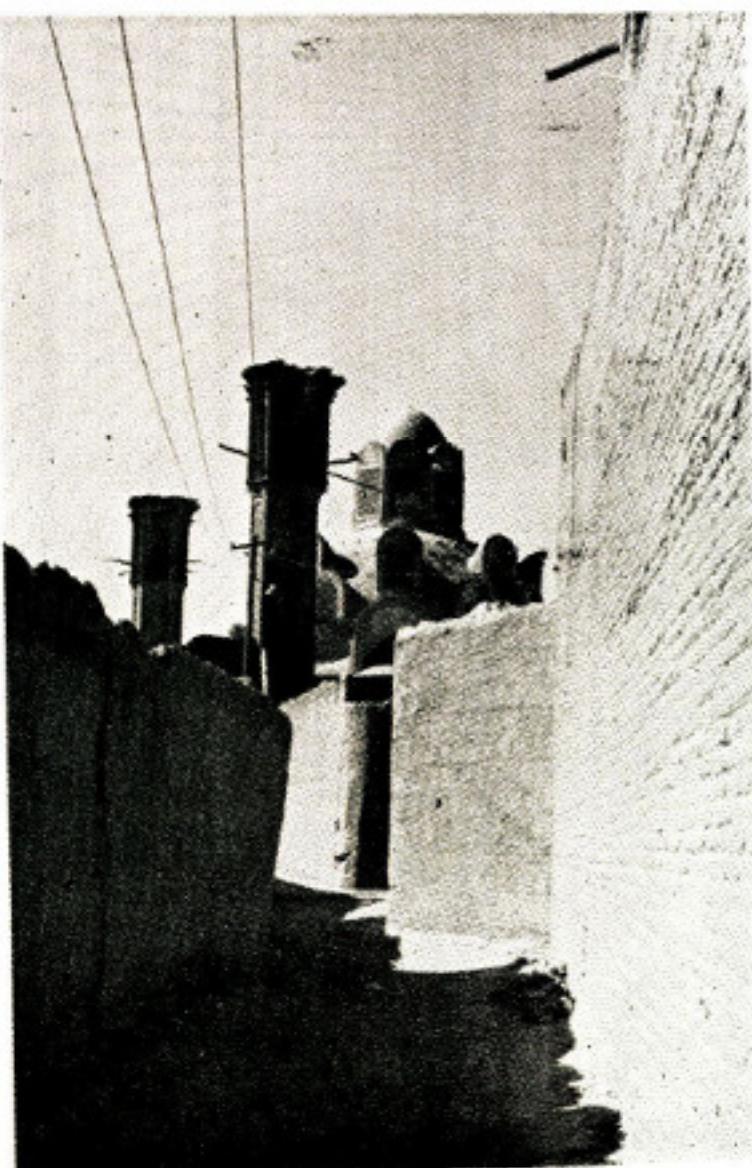
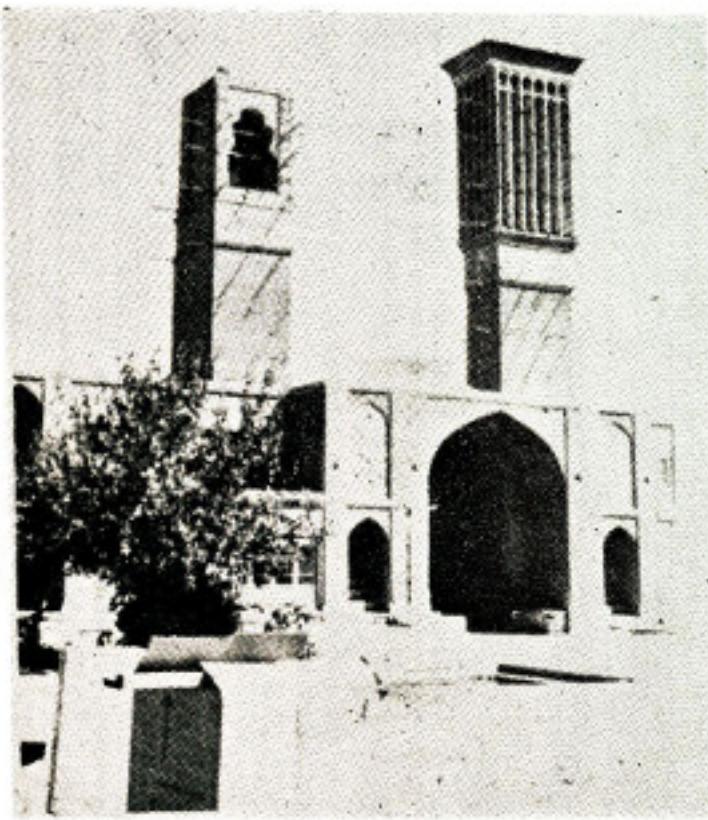
آبهای پاک را از دل کوههای بر رف گرد آوردند و با کهریز و کمال بدشتیهای فراخ آوردنده در پیرامون خانهای خود باعهای زیبائی بنام پردهس ساختند که بگونه فرادش و فردوس و پارادی و پرآدیز در زیانهای مردم همسایه و خوشاوندان و بیگانگان دور و قدریک درآمده.

بادهای خوش هزارداده را نیز رها نکردند و همچنانکه بیاری کهریز آبهای پاک را بست کشاندند هوای خوش را نیز با بکار گرفتن و افزایش خانه آورند.

بادگیر از روزگاران دور در ایران زمین یکار گرفته شده و از ناههای باستانی و گوناگون آن مانند و اغرویاد هنج و باخان و خیشه و خیش خان پر می‌آید که باید نهای تازه بست و اکنون هم که وسائل مجهز و کامل تهیه مطبوع بكمک ماشین و برق پانواع مختلف در دسترس همگان قرار گرفته می‌بینم که اصول ساختمان آنها بر پایه کاربادگیر و خیش خان نهاده است.

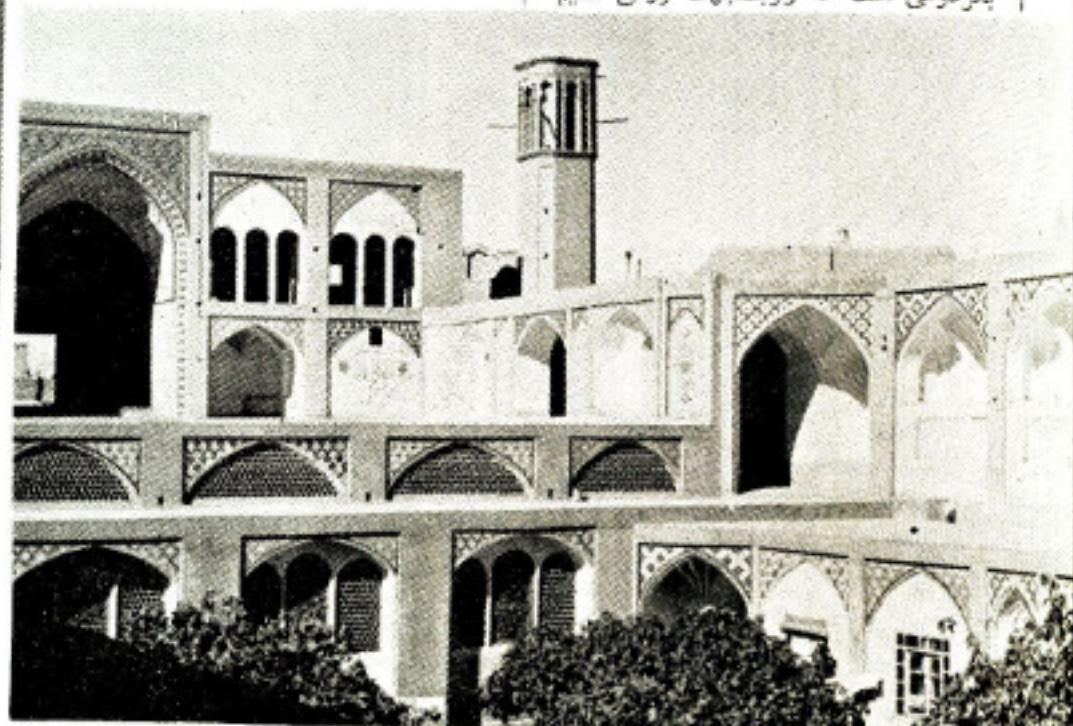
بادگیر انواع گوناگون دارد و بنابر وضع اقلیمی و جهت باد به هیأت‌های مختلف در سرتاسر ایران ساخته شده وزیباتر و پر کار تر و درست‌تر آنها در پیرامون دشتیهای خشک و سوزان و بویژه در شهرهای کاشان و یزد و به و چهرم و طبس و کرانه‌های خلیج فارس و ارونده رود نهاده است.

بادگیر با توجه بجهت وزش بادگاهی زمینه چهار گوش و هشت گوش و پیشتر زمینه مستطیل دارد و گاهی هم در گرانه های دریا تنها بمورت هواکشی در عکن جهت وزش باد دریا بر فراز ساختمانها چشم می‌خورد و چون توضیح انواع آن می‌کنم نقشه و طرح میسر نیست. باتشاندن چند گوش و عکس طرز کارهای کارهای تشریخ می‌شود.
۱ - بادگیرهای چهار گوش و هشت گوش مناسب مناطقی است که جهت وزش بادهای مطبوع متعدد است و بخصوص در فحل گرم‌گاهی از شمال بجنوب و گاهی از شرق بغرب باد خوش می‌وزد.



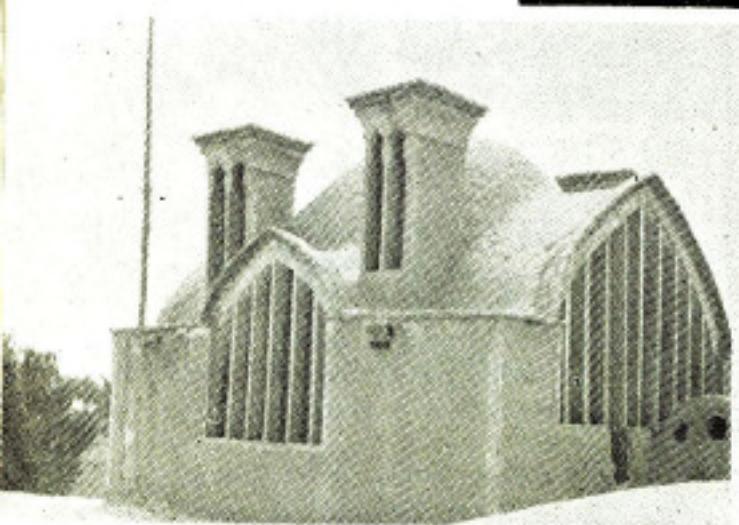
۲ - بادگیر های مستطیل در مناطقی ساخته میشود که جهت وزش باد در تابستان از یکسو و معمولاً از شمال شرق یعنی غرب است و بهمین جهت سطح نمای بزرگ بادگیر را درست مواجه با آن میسازند.

۳ - در آبادیهای کنار و درون کور برای پرهیز از گردیدن گردبادها و طوفانهای شدیدگین بادگیر را فقط مواجه با یک جهت یعنی شمال شرق میسازند و جبهه های دیگر آنرا میپندند اینگونه بادگیر ها بیشتر شبیه پغرومی است که رو بجهت وزش تسیم



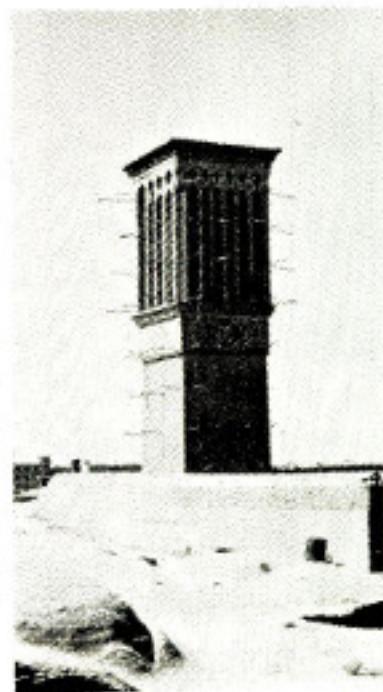
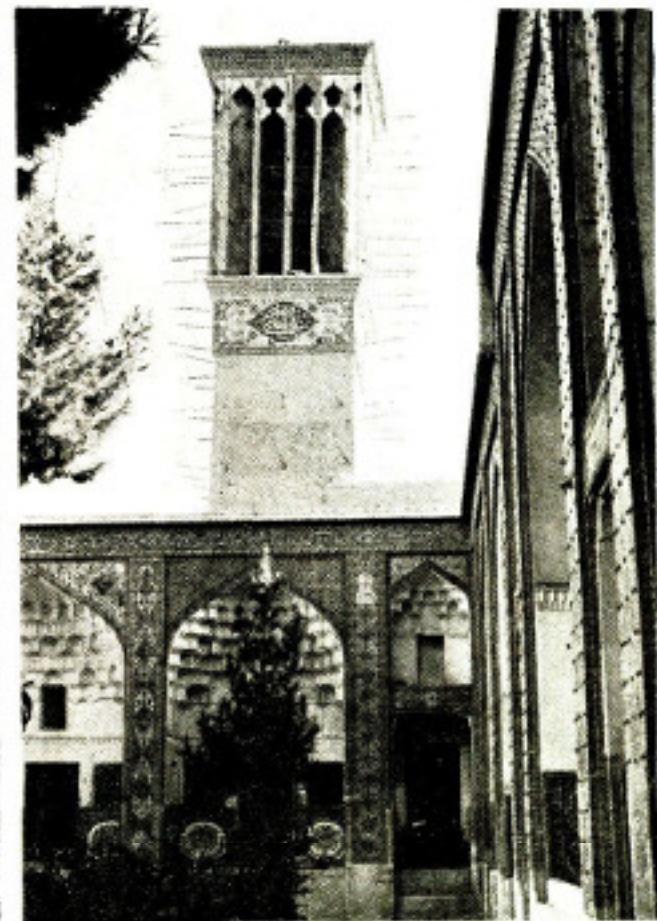
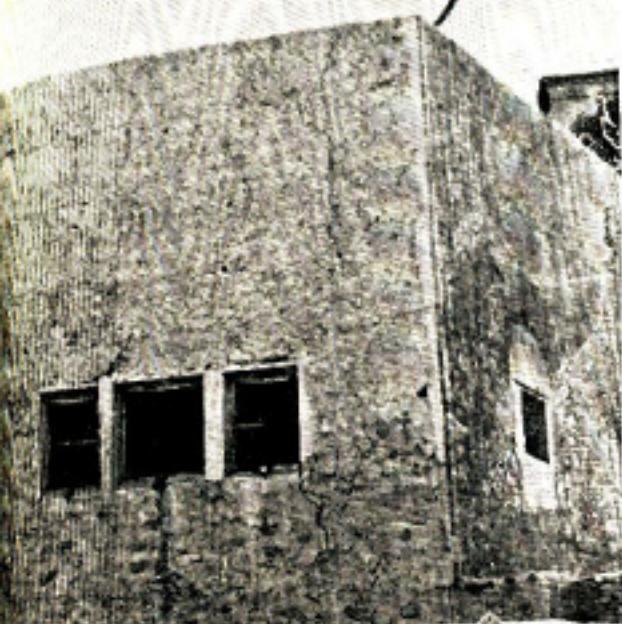
کوهستان دارد و پرای راندن و پائیدن در برای گردباد، بام آن بصورت خوبی خوشبخت شده است.

۴ - در خوزستان و کرانه های خالیج پارس بادگیر بصورت هواکش خرطوم مانند بر بام ساختمان و پشت بدربای ساخته شده تا پارای باد های نسبتاً ملایم که از روی دریای پیچید و مدیر پیچید و از پنجره های کوهستان و دیگر بزمیں پدرور خانه های آید هرای گرم و تنوس و گرفته رای اند. همین تعبیه در خارج از ایران و در کرانه های جنوبی دریای روم نیز معمول بوده که معمولاً دیوار مشبکی در پیش خانه ها میساخته اند تا باد دریا در راه وزش خود هوای درون خانه را پکان کند و هوایی تازه جایگزین آن سازد. در بعضی از شهر ها مانند تهران و گلشنان بادگیر ضعاف در طرفین شاه نشینها ساخته میشده است در اینگونه بادگیر ها میله نخستین کار بادگیر، و میله دومین کار هوا کش را انجام میدهد. طرز کار بادگیر اصولاً



عکسها : بادگیرهایی از معماری جنوب ایران

بر این پایه نهاده شده که از وزش باد برای
گشتندن هوای خوش بدر و ساختمان و از
عکس العمل فیروزی آن یعنی مکش برای
راندن هوای گرم و آلوده استفاده شود .
شاید این توضیح لازم نباشد که جوں باد
بمانع یا دیواره پرده های درونی بادگیر
برخورد ناجار پفرود آمدن میشود ولی عرض
این نکته لازم است که شکافهای دیگر بادگیر
که پشت بجهت وزش باد دارند هوای آلوده



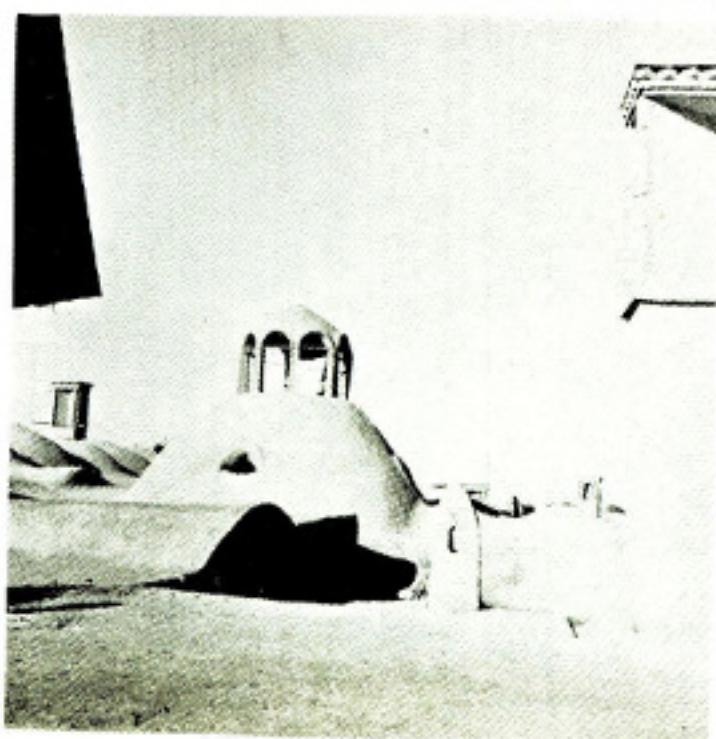
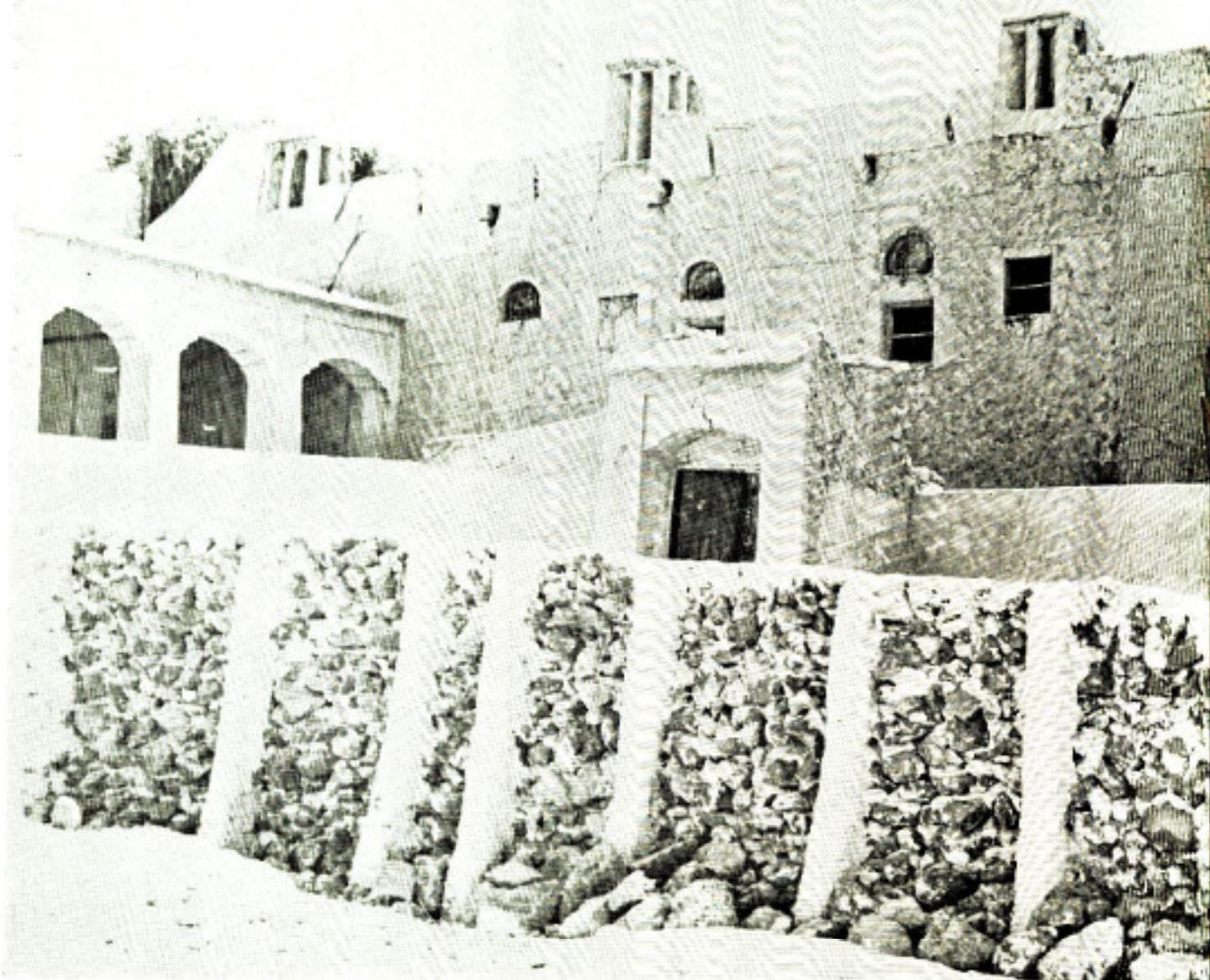
در اینجا لازم است بجز بادگیر از
وسیله خنک گشتنده دیگری بنام خیش و
خیشخانه نیز نام برد ، که از روزگار باستان
در ایران چورد استفاده بوده و پکشور های
همایه و حتی اقلیمهای دور دست رفته است ،
و حتی کولر امروزی چیزی جز همان خیش
نیست که وزش باد آن مصنوعی و پکماک برق
ایجاد میشود .

خیشخان کلبه یادار افرین بوده است
که پیرامون آنرا با حسیر یا سوفال یا پوته
های خارآدور میپوشاندند و بر آن آب
میپاشیدند تا بر اثر وزش باد هوای خنک را
بدر و بکشانند .

(اینجا نمیتواند افسوس خود را پنهان
کند در کشور یکه خود بهترین وسائل تههیه
را با نامهای گوناگون داشته وسائل جدید را
تحفه فرنگ بداند و نامهای بیگانه آنها را

و گرم را بدست باد میپارند و کار هوایکش
و دستگاه مکنده را انجام میدهند هوایکشها
کرانهای خلیج فارس و همچنین دیوارهای
مشبك در پیش بناهای سواحل جنوبی مدیترانه
نیز عیناً همین عمل را انجام میدهند .

کار بادگیر بخصوص در شهر های
گرم مرکزی و پیرامون کویر بقدری اساسی
و از روی حساب بوده که بجرات میتوان
ادعا کرد علم و فن امروز هم با همدیپرتفت
و توسعه ای که دارد توانسته وسیله ای بهتر
جایگزین آن سازد . نگارنده خود از کودکی
بیاد دارد که بادگیر هشت باغ دولت آباد
بزد ، فرش نماین سکین را که گسترده بود
لوله کرد و بدر و خود کشیدتاکسی جندی
زیر این بادگیر ها در روز های سوزان و
گداخته تابستان نشینید ، احتیاز این وسیله
قلمی بسیار پرداخته را در نمیباید .



عکسی‌ای از انواع بادگیرها

بی درنگ بیدزیره و بجای بادگیر و خیش و خیشور و ماسوره و هواکش واژه‌های ارکاندیش و کولار واتیلانور و امثال آن بکار برده‌اند.

چون سخن استفاده از هوا در میان است بد نیست چند کلمه درباره بخاری و گاهن و سایر وسایل گرم کننده نیز گفته شود:

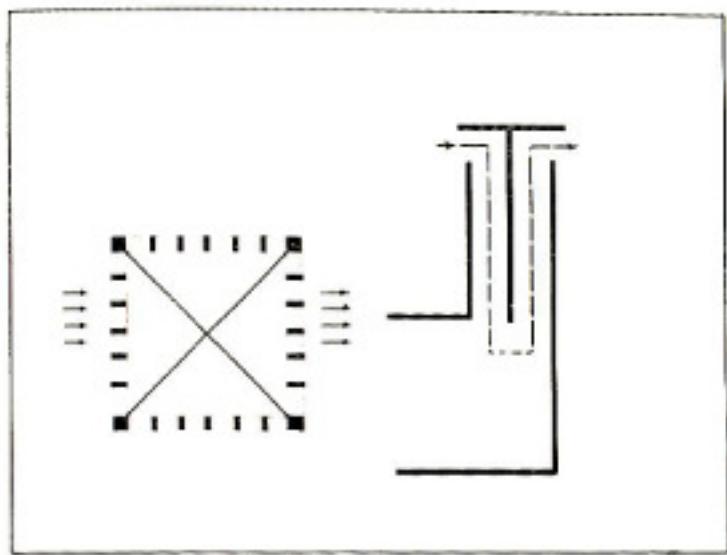
ساده‌ترین وسیله گرم کننده در خانه‌های روستائی تنور است که معمولاً در میان اطاق پرگه خانه جای دارد و درست در بالای آن خیشور با کلاه فرنگی کوچکی در طاق بچشم می‌خورد.

پس از اینکه تنور تاشه شد پختن نان آغاز می‌شود و در پایان (اگر زمستان باشد) دیگه پرگه آش را در درون آن و روی خوارهای آتش پار می‌کنند و اغلب کرسی‌های پرگه روی آن می‌گذارند و افراد خانواده پیرامون آن گرد هم‌باشند، در بعضی از روستاها بجای تنور از «کرنو» باکوره برای پختن نان استفاده می‌کنند.

کوره ناآش را در زمین می‌کنند و در زیر آن هواکش می‌سازند که غالباً بر کشانه هوا پکوره برای کشیدن خاکستر و خواره هم بکار می‌آید. پس از اینکه کوره تاشه شد آش درون آرا خارج می‌کنند و سگی پژم یا کلوخه‌های کوچکی را که قبلاً در آن ریخته بودند بجای می‌گذارند و چنان خمیر را بی‌آنکه پهن کنند روی آها می‌چینند و در کوره را بکل می‌گیرند پس از آنکه را تائید می‌کنند ساختمانی داشتند که حاضر می‌شود.

بخاری دیواری را درست نمیدانیم از چه زمانی در ایران معمول بوده ولی وجود آن در گفتن ترین خانه هایی که تکون بر جای مانده (بخصوص خانه‌های عصر صفوی) بخوبی پرداخته و درست مسلم است و این ذکر را تائید می‌کند که ساختن بخاری دیواری در خانه‌ها سابقه طولانی داشته است.

ساختن بخاری‌های دیواری ایران درست همانند کوره است زیرا اجاق یا آتشدان بخاری هائند کوره هواکش است که گاهی برای کشیدن خاکستر نیز از آن استفاده می‌شود، در بالای بخاری نقاب یا کرنلای بچشم می‌خورد که مانع پختن شدن در در اطاق می‌باشد و در آتشدان سوراخ دودکش قرار گرفته ولی دود کش بخاری‌های ایرانی (برخلاف سایر بخاری‌ها) مستقیم ازست و درست در روی آتشدان زانو و خدمی دارد که مانع بازگشت دود می‌شود و از محفظه‌هایی که در ته دودکش تعییه شده نمی‌گذارد که دوده داخل دودکش در اجاق و اتشدان برخورد.

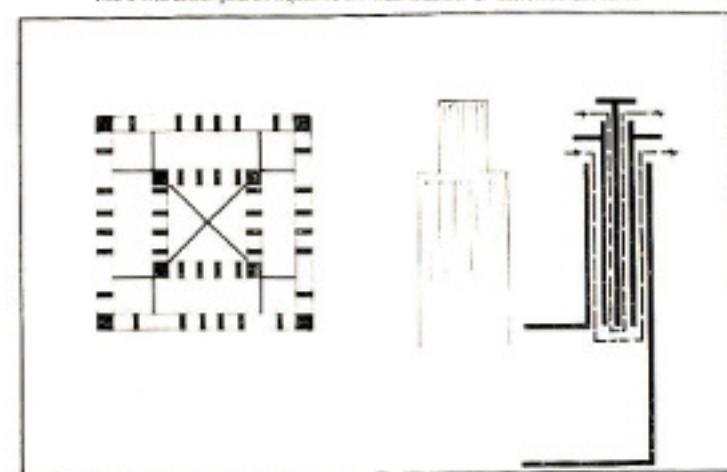


برق سانجان یک بادگیر بسیار بزرگ است که بادگیر معمولی را در مقایسه با آن بسیار بزرگتر می‌نماید.

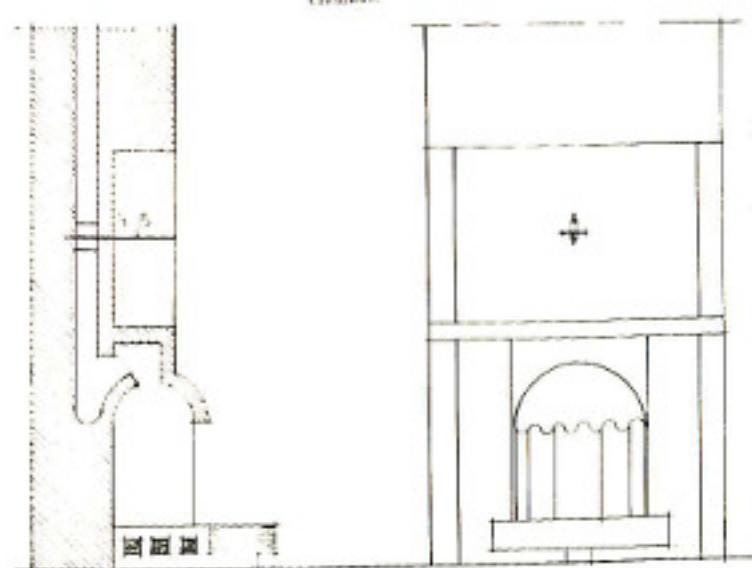
Tour à vent à quatre-voiles, pour les régions où les vents soufflent de différentes directions.

برق سانجان بزرگترین بادگیر ایران است.

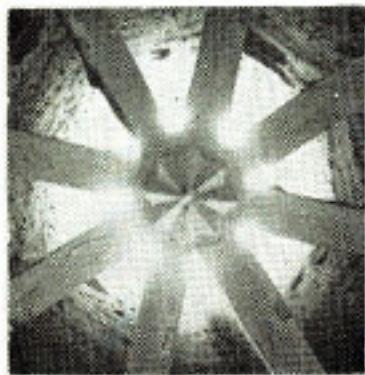
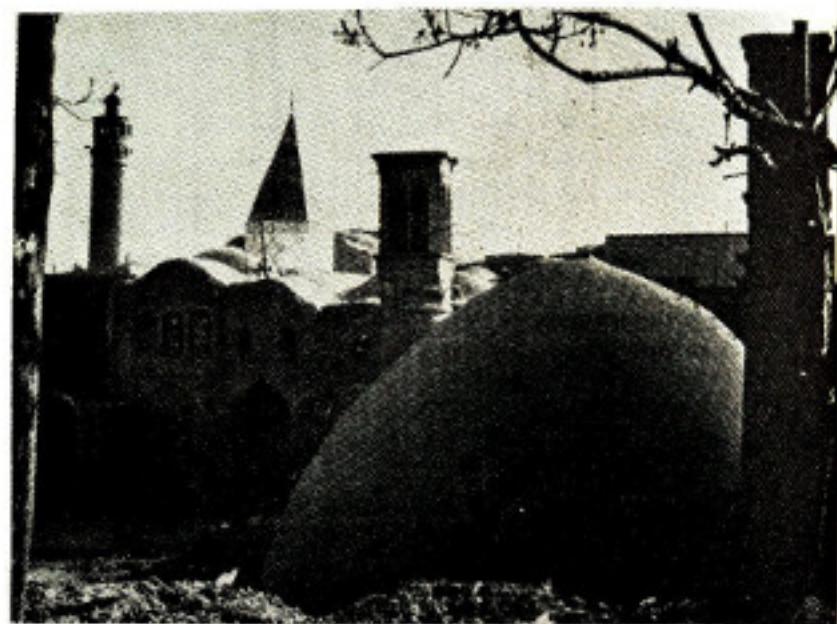
Tour à vent double pour les régions où les vents soufflent de différentes directions.



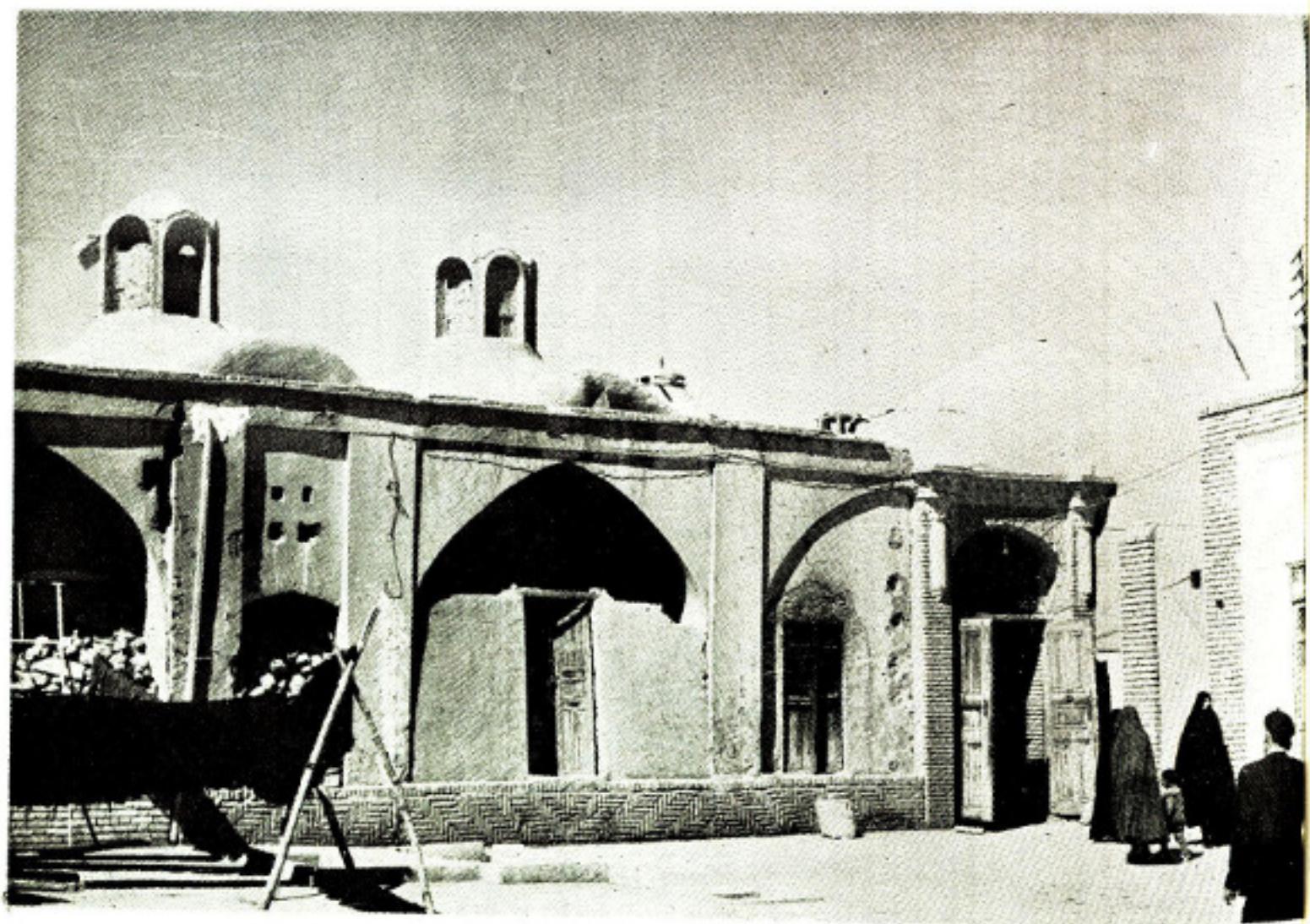
برق سانجان
Cherche-lumière.



بادگیر یخچالی ، در گاشان

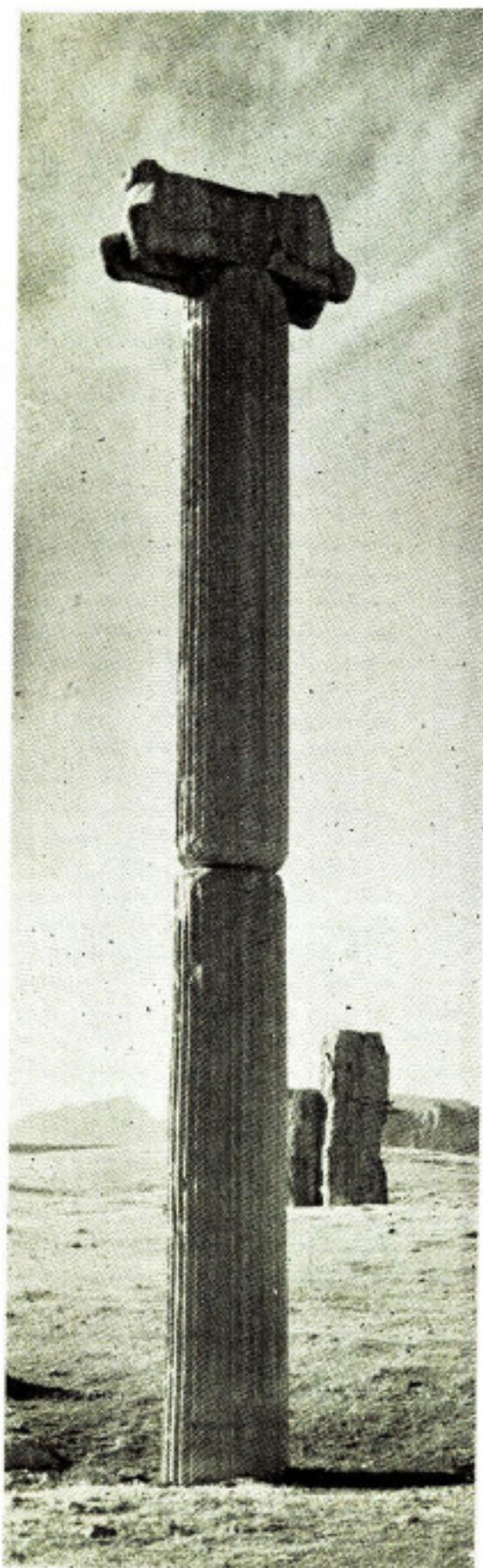


زیر بادگیر دولت آباد برد



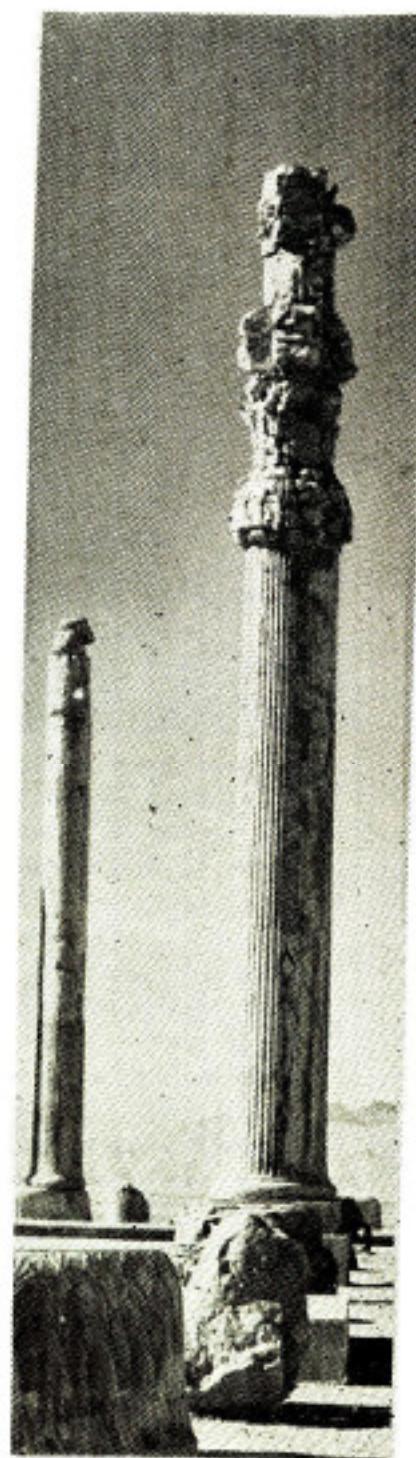
در کمر گاه دودکش تاوهای کار می-
گذاشتند ، تا پتواند دود و هوارا تعظیم گند
و سهنا پس از گرفتن آتش و سوختن هیزم
آتش می-بستند ، تا از خاکتر شدن آتش بیش
گیری گند دسته تاوه معمولاً با مجسمه های
کوچک پرندگان (بیشتر خروس) ترین
میشه که بعضی از آنها شاهکاری از هنر فارز
کاری بشمار میآید .
ساختمان خن یا نون در گرمابه ها
کاری بسیار دقیق بوده و شایسته است مقاله

یک میله اصلی و یک میله فرعی است ولی
در گرمابه های بزرگ گاهی چهار ناش
میله دودکش پجشم میخورد که جز دوقای
اولی بقیه منظور منتشر ساختن گرما در
کف صحن و شاه نشیها ساخته میشود .
امیدواریم در شماره های آینده پتوانیم
در مورد گرمابه بحث ویژه ای داشته باشیم و
در ضمن آن دقیقا طرز کار خن و نون را
نیز تشریح کنیم .
□ از مجله باستانشناسی و هنر ایران



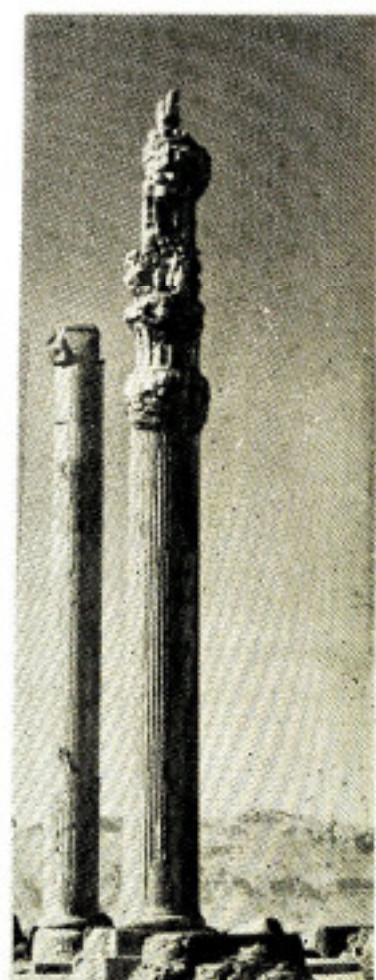
۷۵

مفهوم معماری در زمیر هخامنشیان و یونانیان



های و معماری

از: رضا کمالی



۱۱۹۱۰

مفهوم معماری در زمینه
هخامنشیان و یونانیان

● معنی و هدف :

پانعجم بسیار باید باین حقیقت اذعان کنیم که هنوز آشنازی به معماری هخامنشی آغلور که باید انجام نگرفته تا بتوان روح واقعی آنرا شخص ساخت و نیز بتوان آنجه را که به معماری یونانی قرن پنجم قبل از میلاد مسیح جان دیده مقایسه ای انجام داد.

مسئله اساسی همین است زیرا که میتوان به بهترین وجه بیان اصلی و بنای دو تمدن را که با وجود همسایگی بسیار متفاوت بوده اند درک و ارتشیابی کرد این دو تمدن مدت مديدة در کره های شرقی مدبرانه زور آزمائی نمودند و بالاخره طی چنگهای حمامی و مبارزات قهرمانی و نابود گشته اند باهم روپروردیدند.

در حقیقت متخصصین باستان شناس دوران کلاسیک بطور کلی زیاد به هنر مشرق زمین توجه نکردند و جستجو و تحقیق در این زمینه ننمودند و باوجود اهمیت زیاد این هرها هرگز موفق به درک و توجیه جنبه های معماری آن نشدند.

متضاهه ها در هنرها یعنی معماری اکثر اوقات بدبست فراموشی سیرده شده و باسطلاح نقش مختصر و شاید مرده را داشته است و این مطلب در مورد کلیه ادوار معماری ایرانی صادق است.

طریقه ناقص مطالعه روی جزئیات که جهت کشف منشاء این معماری بکار رفته است مطالعه در زمینه تحرك شدید میان اجزاء مختلف بخصوص روی جزئیات فرمها و نحوه های ساخته ای باعث شدند که مطالعه روی کیفیت فوق العاده ارزنه و روح بر خروش آن در گثوارها و توسعه در هنر معماری هخامنشی یکلی بدبست فراموشی سیرده نشود.

ولی باید تأکید کرد که بهیجوجه صلاح نیست بیش از این کیفیت واقعی و اصلی این معماری مورد بیمه بری محققین قرار گیرد و بخصوص تحقیقات روی این معماری فوق العاده ارزنه نباید فقط و فقط منحصر بهیجوجه روی جزئیات و نمایشگری اجزاء تزئینی و با ساخته ای آن گشته و اصول معماری را تحت النفع قرار دهد.

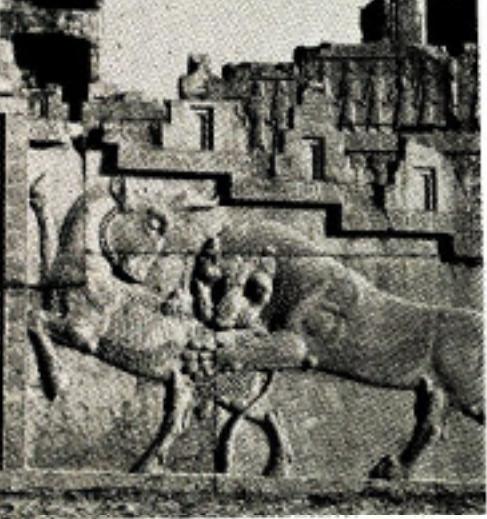
نظر باینکه هنر هخامنشی و قایع و اتفاقات دوره قبل از خود را بیان میکند (در اینجا منظور وجود تصاویر و سبل های از حیوانات است) که معرف خصوصیات اجتماع آن روز و قبایل چادرنشین و کشاورز میباشد . . این معماری کاملاً جدید بعضاً اوقات ناجار شدجهزیات فرمها و موئیوهای را از تمدن های اطراف خود بفرض پذیرد

اول قرن پنجم قبل از میلاد، بر جریده عالم ثبت میگردد و بعداز آن بازهم مدت پیش از یک قرن باهمان شکل اولیه خود ادامه میباشد.

این حد و حدود تاریخی و شکل تمام شخصیت های مهم و موقر یک معماري طلائی و یکپارچه را بازگو میکنند که از آن به حقیقت میتوان نتایج کلی را بدون برداختن به مباحثه دیگر بخصوص مسئله های پایه ای این را بتوان روحیه های آمیخته و بنای ای از سنگ تراشیده با سطح هزین شده از نقوش بر جسته را بوجود آوردن.

روابط ایران با تمدن بابابی در تاریخ کاملاً روش شده است ، بالتجه در هنر پاسازی وبا در معماری پاره ای از المان ها و اجزاء بیادگار از تزدیکی دو گثوار در هنر هخامنشی باقیمانده است.

وبالآخره بنایگفته گریشمن : معماران هخامنشی سنتون مدبرانه ای را جامه ایرانی پوشیدند و بر مبنای آن سنتون معماری بر احسان خود را پایه گزاری کردند. تمام این انتخابها و برداشتها محتوى معانی خاص است ولی در اینجا منظور بازگو گردن و



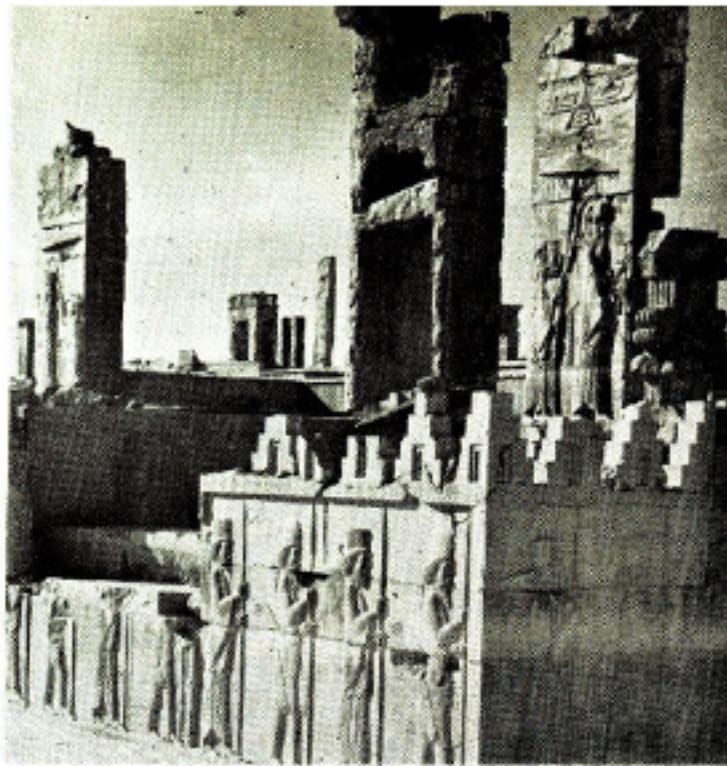
تخت جمشید - نقوش بر جسته

شخص نمودن مقنن و حدود آنها و بحث در نحوه تحول آنهاست، بلکه درک دلیل کار بر آنها در پیدایش این معماری نوین است که باعث کشف جنبه های خاص از عظمت و از موارد غیرمنتظره در این معماری میگردد که باید با آن نام پرشکوه را داد.

ثبات یا بهتر بگوییم نامتنفس بودن این هنر، مارا در جستجوی شخصیت یکپارچه آن هدایت میکند ، جستجوی که منحصر به اقامگاه های امپراتوری میشود و این خود روح این معماری را تشکیل میدهد.

در درجه اول مجموعه بنایهای پازار گاد و سیس شوش و تخت جمشید به بر گزاری مراسم آئین شاهنشاهی پرشکوه و پر از بر نامه های متعدد اختصاص داشت بطوریکه فقدان بنایهای مذهبی و روح اینکوئه معماری را جایگزین میگردید.

دوره توسعه عظیم این معماری شامل قرن افتخار آمیز تاریخ شاهنشاهی ایران است که با نام کورش کبیر و سیس داریوش اول خشایارشاه یعنی نیمه دوم قرن ششم و نیمه



بیرحانه اسکندر کبیر بوده که از درختهای سدر لبنان به تخت جمشید حمل شده بوده است. خمنا باید خاطر نشان کرده که برای او لین بار در تمام دنیای هندن آن روز سالنهای هیوستیل با مشخصات فوق یعنی ستونهای کشیده و در تابات بسیار سازک اجزاء شده که بکلی تکنیک معربی را فنی نموده و نیز بر جا سازی گردن محل تیرها در داخل سنگ بالای سرستون یاک روش جدید در اجرای راحت‌تر و مطمئن‌تر سقف ارائه داده است.

معماری هخامنشی همانند رختان گهنه‌است که خودرا از داخل زمین بیرون کشیده و بنایی آن هرچه پیشتر سعی کرده‌اند خود را بطرف آسمان بکشانند. در این جهش مثله ترثیات مشکل تر و وظیفه خطیر ستونها مهتر جلوه‌گری کردند.

این مثله کاملاً مسلم است که معماری هخامنشی مبداء و منشاء روح معماری کلیه سرزمینهایی است که در راه انتخاب یاک معماری قائم (Vertical) و کشیده از خصوصیات آن استفاده نموده‌اند. معماری جوی خاور دور بسیاری از جنبه‌های این حالت قائم خود را مدبوغ تجربیات معماري ایرانی است. و نیز باید یاد گار های گوتیک مغرب زمین را در مورد آنچه که مربوط به روحیه والهامت معماری قائم است باهر هخامنشی بسیار تردیدک و آشنا داشت.

توجه و تمايل هخامنشیان بطرف بالا در بسیاری دیگر از موارد واجراء معماری بخوبی قابل تشخص است. در درجه اول وجود پایه‌ها و دیوارهای بسیار بلندتر اس‌ها که شخصیت بخصوص و کشیدگی موره بحث را با این معماری ارزانی میدارد باعث یک نوع تحول و توسعه میگردد که آفرمان از دیدبیش ناشناخته بود. مثلاً وجود پله‌های

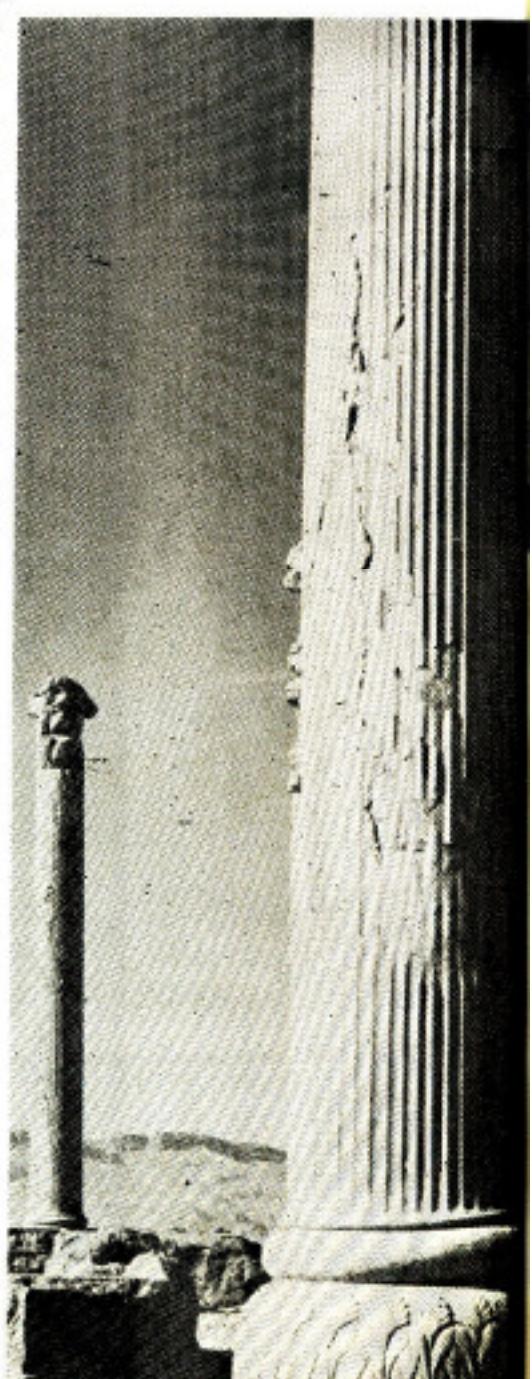
مدیترانه و مصر و یونان بکلی ناشناخته بوده است.

در طول ستون شیارهای (کاناکور) تردیدک بهم حک شده و در پائین تنه ستون روی پایه‌ای مرتفع قرار گرفته و در بالا سرستون‌های مرکب با اجزاء مختلف و متفاوت از نظر شکل قراردارد که به فرم های حیوان و یا انسان ختم میگردد.

این ستون‌ها تابات فضای داخل سالن فصرها را تثیت مینمودند که از عهد کورش کبیر در سالن پاراعام بازار گاد بکار رفته‌اند. بخاطر همین ستونهای کشیده و مرتفع با اجزاء قرینی مختلف آنهاست که حالت پرسکوه و مجلل در داخل قصرهای تخت جمشید بوجود آمده است. و هنوز امروز آثار ناچیز این ستونهای سر پفالک کشیده گواه زنده آن شکوه و جلال است.

این کشیدگی و بالا بلندی ستونهای هخامنشی را باید از خواص مخصوص و معرف معماری آن دوران داشت در اسکیس‌های شیبید (Chipier) نیز خصوصیات مذکور در بالا در موره ستونها ثبت گردیده و با وجود اینکه نامبرده تحت تأثیر روح و منطق عقل دوران خود این ستونهای دور از حقیقت ضخیم‌تر طرح نموده معدناً کث معرف استدلال گفته شده میباشد.

میتوان گفت این تابات هخامنشی که از یکطرف بدون هیچ تردیدی در عهد خود بینظیر بوده از طرف دیگر معرف غنی‌ترین و روحاً ترین روحیه معماری سه سنگی دوران باستان است این تابات در رابطه بسیار مطلوب پال بعد بزرگ سالن های چهار خلعی بوده و مناسب با تکنیک بوش آنهاست. فاصله بین محو ستونها تا ۹ متر میرسیده و بوش سقف از تیرهای چوبی بسیار فی و لی در عین حال قابل احتراق آتش



مجلل و رامهای ورودی متعدد بعلت وجود همین بلندی پایه‌ها و ارتفاع زیاد تراویح هاست.

لازم است خاطرنشان گردد که آتشکده‌ها

(نقش رستم) همه بفرم برجهای مرتفع ساخته شده‌اند و نیز مقابر صخره‌ای که در داخل کوهها حفر شده‌اند همه در ارتفاع تعییه گردیده‌اند بطوریکه دسترسی با آنها آسان نیست و من باب مثال این متدهای میتوان قبور نقش رستم را ذکر کرد. تمام مقبره‌های گرایش هایقوق ابعاد انسانی و آسمانی یاک هنر پیکارچه و مشکل - مستقل در خان را هشت ص عینه‌ایند که در آن قر کیب همتوغ و پیاسا به معماری در مجموع کاملاً قابل تفکیک از اجزاء کوچک تریناتی تقلید شده و انتخابی از همسایگان عیباشد . هنر هخامنشی هنری است که ضمن

ابراز وجود در شکل ساختمان‌های تشریفاتی پادشاهان روح و معنی و مقررات و قواعد شاهنشاهی را مأ فوق تحولات انسانی جامه مادی میبخشد .

این معماری دید مجلل و با شکوهی را در قالب فرم‌های هندسی منظم و مرتب ایجاد می‌کند . نمایندگان اقوام و ملل مختلف که تحت انتیاد ویا فرمانروائی شاهنشاهی هخامنشی هستند همه یاک شکل در این کادر هندسی در یاک سکوت و نظم حساب شده در این تشریفات که تحت رهبری امیر اطوري ایران برپا شده شرکت دارند .

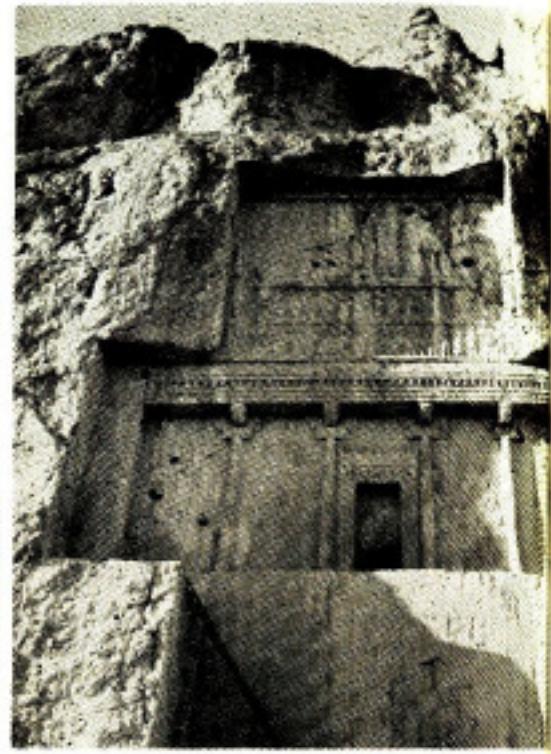
ولی در بالا هنوجه گسترش قدرت و نفوذ معنوی خدای آسمانها و خدای شاهان هخامنشی یعنی اهورا مزدا میشویم . که هم‌اکنون نیز نقش آن برستنگهای مزین قصرها

(در شرقی تری پیلوون) بالای سردار پوش بزرگ و خنایار که بدنال پدر حرک میکند دیده میشود . عتیده وايمان يكنا پرستی و گرایش به معنویات در بين شاهان هخامنشی شاهد و گواه بسیار روش وزنده ایست در عظم اورزش اخلاقیات و درجه تمدن و انسانی آنان و بهمین دلیل زبان معماری گویای این معنویت و روح یکنا پرستی و انسان‌دوستی ایرانیان است با اینکه یونانیان باستان پارها تحت تأثیر اغراض مختلف خود ایرانیان را ملتی جنگجو و خشن و حتی عقب مانده قلمداد میکردند معداً لک خود آنان بگران شیفتنه فاسدزندگی وايمان و نحوه معتقدان مذهبی ایرانیان شدند و فضائل آنان را سرمنق خود قرار دادند .

10



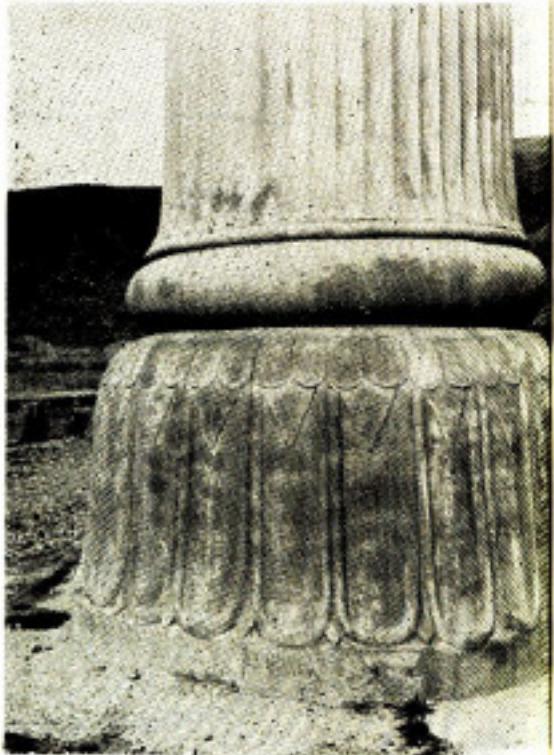
منظره عمومی تخت جمشید و طالار صدستون



۱ - نقش رستم در فارس

۲ - نقش بر جسته نقش رستم

۳ - بلک ته ستون در تخت جمشید



هزار و میلیون

ساخته‌اند) نتھله مقابله است. چنانچه آمال و خواسته‌های دو ملت و فوایین و مقررات دو قوم بزرگ نیز همیشه نتھله مقابله هم قرار داشته‌اند. و این خصوصیات بطور روشن و بسیار واضح در روحیه معماری این دو ملت منعکس گردیده است. چنانچه شما از نیزه را با معنی معماری هخامنشیان که در مقایسه با معماری یونانی مشخص می‌گردد ترسیم کنید در آن یا کنیروی جاذبه و مغناطیسی امیخته می‌بینیم که حکمت شاهنشاهی و آسمانی در آن تلقیق شده و بحرات میتوان ادعا کرد که تا با آن روز چنین معماری در دنیا صورت وجود پذخود نگرفته بوده است.

معماری هخامنشی که بر مبنای یاک شمای قائم الزوابدا مرکب از سلول هائی با ناتھه مریع استوار شده دارای ساخته تاریخی و منشاء بسیار قدیمی است گدقت در ترکیب آنها و تنبایات طلائی آنها در تاریخ معماری افق جدیدی را ارائه مینماید بخصوص تنبایات بعد سوم یعنی ارتقاء و فائم بودن و کشیدگی در اجزاء باعث شده که این معماری بطرف بالا توسعه یافته و متوجه آسمان گردد در این زمینه نیز معماری هخامنشی شخصیت کاملاً متفاوت و جدیدی را عرضه می‌کند که بسیار از معماری یونانی همزمان خود دور است. معماری یونانی بالا فاصله بر روی خاک



در این دو وضعیت روش و متفاوتی که از این دو معماری بیان گردید این سوال پیش می‌آید که آیا چه رابطه بینی بین معماری دو سرزمین که هردو بر اساس ۳ سنگی (مستقیم الخط) استوارند ایجاد شده آیا روابط فرهنگی دو تمدن تا چه حد بحیوه که در اجرای این هنری آنان تا این حد اثر گذاشته است.

یاک جواب و یا جوابهای پراکنده بسیاری تاکنون بیشتر از بالا داده شده، بخصوص در مورد آنچه که مربوط به تاثیر و تغوفه هنر هلنی (یونانیان) در مشرق زمین می‌باشد. گفته شده که تکنیک ساخته‌اند یونانیان به مشرق زمین آورده شده و نیز اثر دست‌استاد کارانی که مایه یونانی داشته‌اند در بنایی بازار گاد در دوران ۲۵ ساله سوم

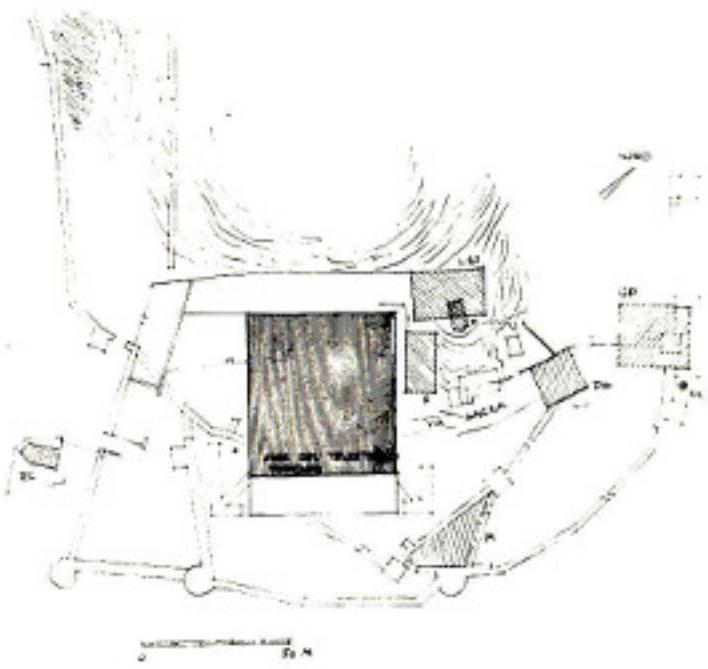
زاده می‌شود و در نتیجه بیشتر به دنیا خاکی و منظره اطراف خود متنک و بیوسته است تا به آسمانها و دنیا معموبان. و ترتیب قرار گرفتن اجزاء آن در تارویود یکمیشت مقررات خنک و قوانین حاکم بر آن محصور می‌گردد. و کاملاً مخالف جمیعت حرکت شرکت و مناظر و دیدهای متغیر انسانی است که آزادی مطلق از آن انتظار می‌رود.

در یونان، شخصیت و روحیه و قدس خدای المب که صورت انسانی بخود گرفته و توجیه افقی در احجام معماری که در قالب سنگهای خشن همین عهد دور یاک شکل مادی بخود گرفته و تا قرن پنجم قبل از میلاد ادامه یافته به نظر می‌آید که یکلی در بر ایر افکار و احساسات هخامنشیان و طرز ارائه معماری آنان (البته بغیر از جنبه تکنیک

قرن ۶ قبلاً میلاد پخوبی بچشم میخورد. مجسوس‌سازان یونانی که در شوش فعالیت داشتند و بالآخره نوشتند، علامت و تنوش پرسپلیس که حاکمی از این شرکت یونانیان در این سازندگی است غیرقابل انکار است. در مورد اذیات این نظریات توجه خوانندگان را به آثار برآمده نایلاندر و داویدستروناخ جلب می‌کند و در تاریخ این سخنان میتوان تا زردیکترین توسعه‌نفوذ هنر یونانی گام برداشت و به معبد یونانیک موخره در جاندیالا اشاره نمود که قرنی بعد در تاکسیلا واقع در افغانستان ساخته شده است.

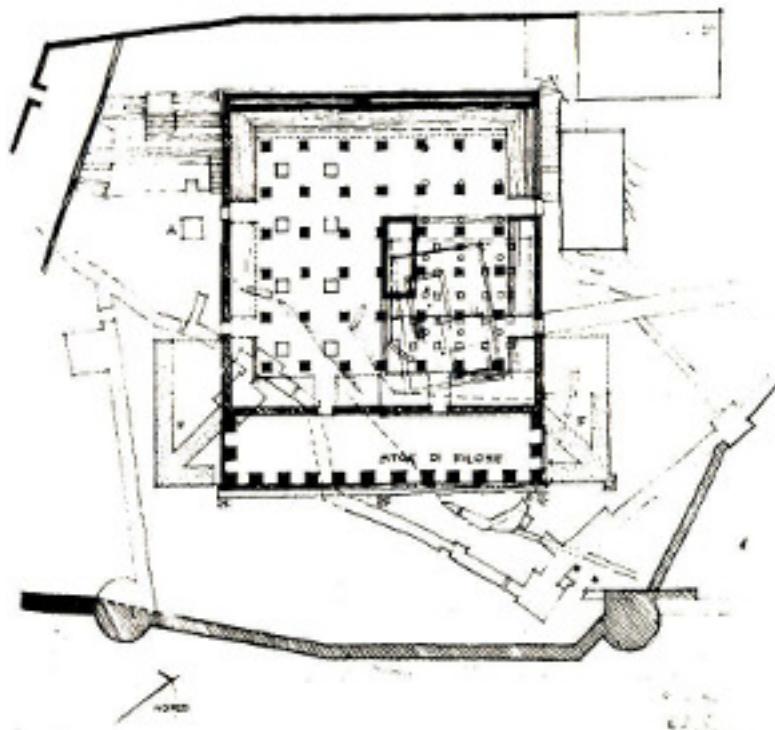
۵ عنوان شده و ملماً جواههای نیز تاکنون در مقابل آن اراره گردیده است. البته در این مورد نباید باز هم مثل همیشه بسائل اتفاقه قاریخ توجه نمود بلکه باید به بررسی و تابع سیاسی و نظامی آن زمان توجه اصلی نردد.

حوادث جنگی و نظامی دو ملت باعث گردید که اطلاعات ذیقیمتی در جنبه‌های تمدن و فرهنگ و هنر بین آنان رد و بدل گردید و کنجکاوی هر دو طرف در مورد شناخت خصوصیات اخلاقی و اجتماعی دیگری وسیله مناسب در اخذ اهتمام اساسی از آن تمدن شود.



۱- اسکیس پلاتیمعتریک مشخص کننده‌نا و ساختمان‌های اطراف

۲- اسکیس از اسکلت ساختمانی دوره میان‌ها و دوره هندسی



در زمینه نفوذ و تأثیر هنر هخامنشیان که بیشتر مورد بحث ما است متألقانه روابط زیاد طرف توجه محدثین و متخصصین قرار نگرفته، آنان هم خود را بیشتر مصروف جستجو در جزئیات نموده و اغلب فقط تأثیر این جزئیات معماری را آنهم در ادوار موخر تمدن یونان مطالعه نموده‌اند مثلاً انگیزه سرستنهای ایرانی بخصوص سرستنهای معروف گاؤزانوزده از نمونه‌های سیدون قرن ۶ و ۵ قبل از میلاد و یا سالمین قرن ۴ قبل از میلاد و یا نمونه‌های مکرر از دیوس، دالان آنتی‌کون نیمه دوم قرن سوم قبل از میلاد.

بعات همین طرز بررسی غلط و پرداخت بدجزئیات است که امروز معماری هخامنشی از مطالعات در طریق یاک دید کلی و تحقیق در مجموع و شناخت علل اصلی و اساسی تحولات هنری محروم است و یکباره‌گز ارزش‌های تاریخی و فناوری این هنر بر همگان پوشیده است.

ما میخواهیم انکسارها و تأثیراتی که در روح یونانیان از طرف هنر معماری هخامنشیان بجای گذاشته شده بررسی کنیم. این مسئله‌ایست که بدون شک از قرن

مثله مهی را که قبلاً ذکر آن رفت و مجدداً مطلع نظر قرار میدهیم اینست که فرهنگ یونانی به وجوده نتوانست در مقابل جستجوها و گاووش‌ها و کشیفات معماری هخامنشی که ارزش هنر پرشکوه و شاهنشاهی آن باعث ایجاد ارتباط معنوی بین ملتها بوده است بی‌تفاوت باقی بماند.

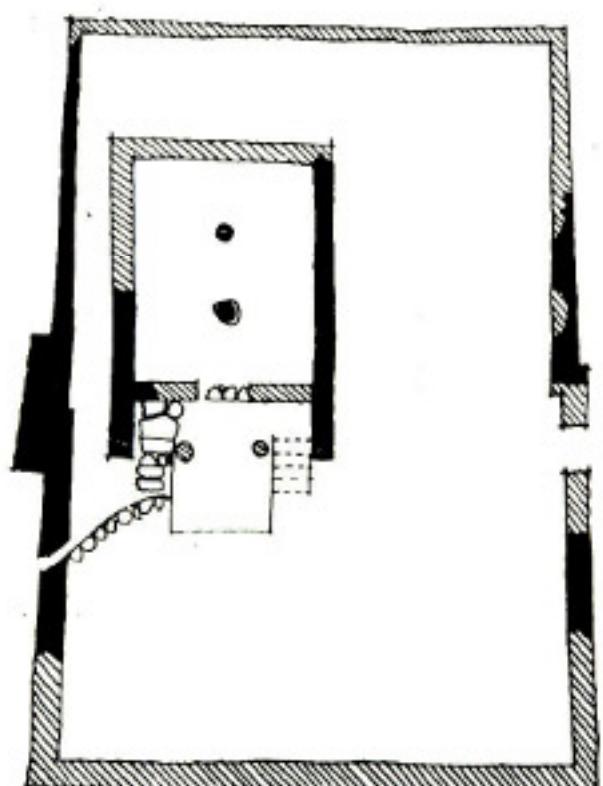
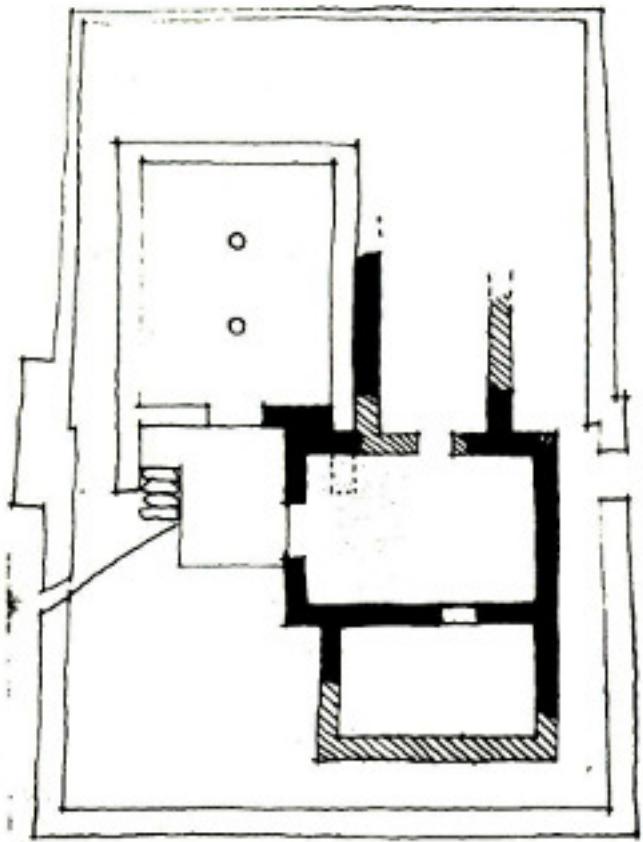
بی‌دلیل نیست که اسکیل ترازدی خود را تحت عنوان « ایرانیان » در قصر های هخامنشی شو شو روح بخشید.

و باز هم در قرن پنجم است که هرویدوت بنایروایات مختلف به ایران سفر نمود و تاریخ مشهور خود را نوشت. و نیز فرار و پناهندگی نمی‌ستوکل به ایران و بالآخر تعریف و توصیف لیزاندر اسپارتی از پانچا و قصرهای کورش کبیر از مدارک ارزشمند تاریخ در مورد وجود این ارتباطات معنوی دو ملت است.

یونانیان در موارد پیشمار دیگر از فرهنگ هخامنشیان عایله گرفتند چنانچه در اساس فلسفه آمیدوکل کاملاً این اثر قابل ملاحظه و دقت است و نیز زبان ییوفاقی بخصوص در قرن ۵ قبل از میلاد از تأثیرات زبان ایرانی بی‌بهره نمانده است. و نیز همین تأثیرات لهجه و زبان معماری با فضای پرشکوه هخامنشی (غیرممکن است کسی بتواند ادعا کند) که در هنرمندان و خالقان یونانی اثر نگذاشته چنانچه بایسد خاطرنشان نمود که تأثیر معماری هخامنشی در هرق بیان در تمدن‌های آسیائی همچو اسرا و دور از آن قابل مشاهده و بیان مورد شناخت همکان است.

انتشار و پیشتوسعه فرم‌های جدید معماری در سواحل آسیای صغیر نیز شاهد همین مدعایت گرایش پیشکشتن فرم سبک پارچه و یا پاکشکلی سبک دوریک با کمک فرم چند شکلی سبک یونیک میتواند بیان قابع کشندگی در انتخاب و اخذ نحوه های جدید در توسعه معماری از راه روایط آن مردمان با سرزمین مشرق و تمدن هخامنشی پاشد.

گذشته از مخالفتهایی که در بحث اصالات و منشاء سبک یونیک وجود دارد، جای هیچ گونه شک و شباه نیست که وجود سرستون یونیک بسیار دقیق و کامل در حدود قرن ۷ تا ۶ قبل از میلاد در ناحیه کردستان ایران و قیزقان در خاک عراق امر و زی که هیشه جزو خاک ایران و قلب ایران آنروز بوده است دلیل بزرگی بر نفسوز و جایگاه این سبک از شرق به غرب بوده است. و نیز میتوان گفت عناصر جدیدی که در معماری یونیک آسیای صغیر وارد شده فقط اثر الکتیسم (اختلاط سبکها) توسط هخامنشیان بوده متلا س-toneای زوج



۰ ۵ ۱۰ ۱۵

دانها و کولونادهای معابد این سرزمین شاهدی از این تأثیر هنر هخامنشی در سرزمین یونان آنروز است.

در اینجا منظور مثالهایی مختلف عناصر معماری یونان نیست و بهمین دلیل بخشی در مردم و جوامن اینها متعدد هیوپستیل در یونان باستان تحویل شد زیرا یونان از هر کجا اثری و فرمی دریافت گردید آنرا چنان با سلیقه طریق و جالب خود تغییر شکل دادند که مسئله تقلید در آن مطرح نیست. مسلمان نمونه‌های معماری از آن شده توسط هخامنشیان جهت هدایت یونانیان چهار فرم‌های متغیر و متنوع و پیچیده کافی نبودند.

وضعیت فرهنگی و هنری در آن که قلب و شریان یونان آنروز بوده، پس از قفتح و پیروزی پرسپولیسیان یعنی بعد از ۴۹۰ قبل از میلاد تجدید و تازه میگردد.

فقط در زمان پریکل معماری آنی از آن فرم خشک سیک دوریاک که بطور مستقیم بمندی یک قرن و نیم حفظ شده بود پیرون آمد.

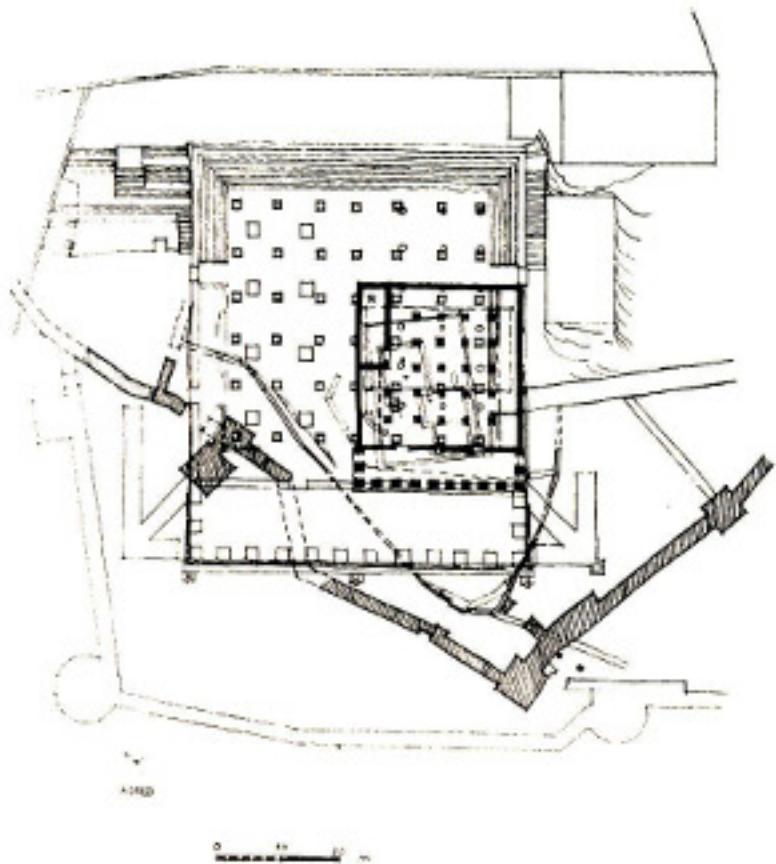
خستا باید خاطرشنان کرد که درست پس از تاریخ فوق است که یونانیان در داخل معابد خود ستونهای متفاوت با ستون های پرسپولیسیکار برداشتند، در صورتیکه در کاخهای آپادانا در ایران این رسم غایب متناول بوده است. و نیز پرای او لین بار در این تاریخ است که فرم‌های جدید سیک یونیک وارد آن میگردند.

و باز هم در زمان پریکل است که بکار بردن ردیف ستونهای دوریاک در روی دو طبقه در داخل معابد متروک میگردد.

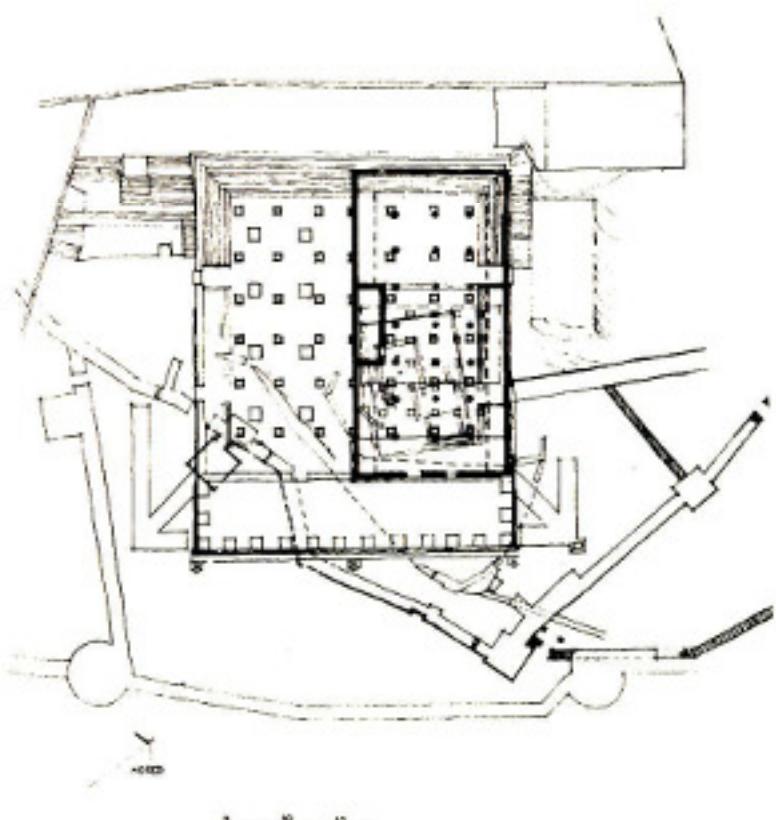
بخصوص در این دوره است که تجدید فرمها و توسعه در معماری پا روابط و تنشیات جدیدی مطرح میگردد و کشیدگی و ارتقایات در ستونها تشدید میشود.

معبد آپولون ایپیکوریان در پاس که متعلق به ایکنوبوی چرگ سازند پارتنون است بطور واضح و بسیار روشنی متفاوت شخص در کشیدگی به بالا و ارتقای و تنشی جدید نسبت به معابد دوریاک قبل از خود دارد و این بعیده‌ما فقط تاثیر و الهامی است که معماری هخامنشی که این نسبتها در یونانی بخشمید است.

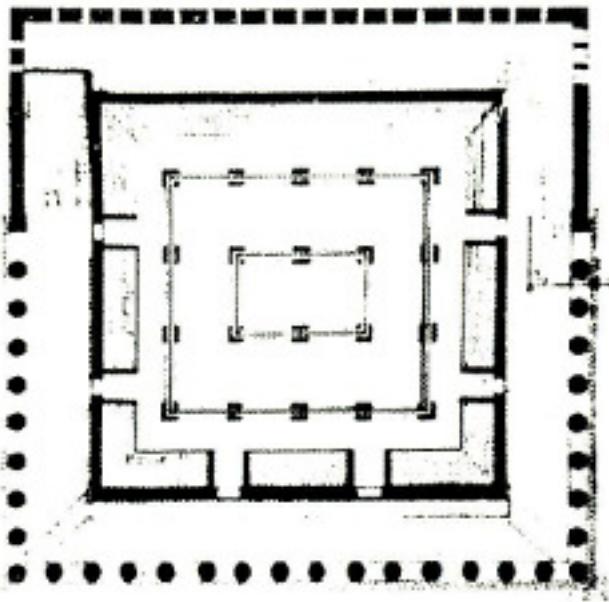
یاک بنای بخصوص را میتوان یعنوان شاهدبارز و ارزشمندی از این نزدیکی یونانیان پنهان نمایشیان و الهام بخشی آنان از هنر معماری ایرانی در مورد فرم‌های جدید و کشیدگی آن یعنوان مثال ذکر نمود. و آن معبد تلستریون اولیس شاهکار نانتمان ایکنوبو میباشد ساخته ایان و بیشی که از طرف او همانند آپادانا طرح ریزی شد دارای فرم



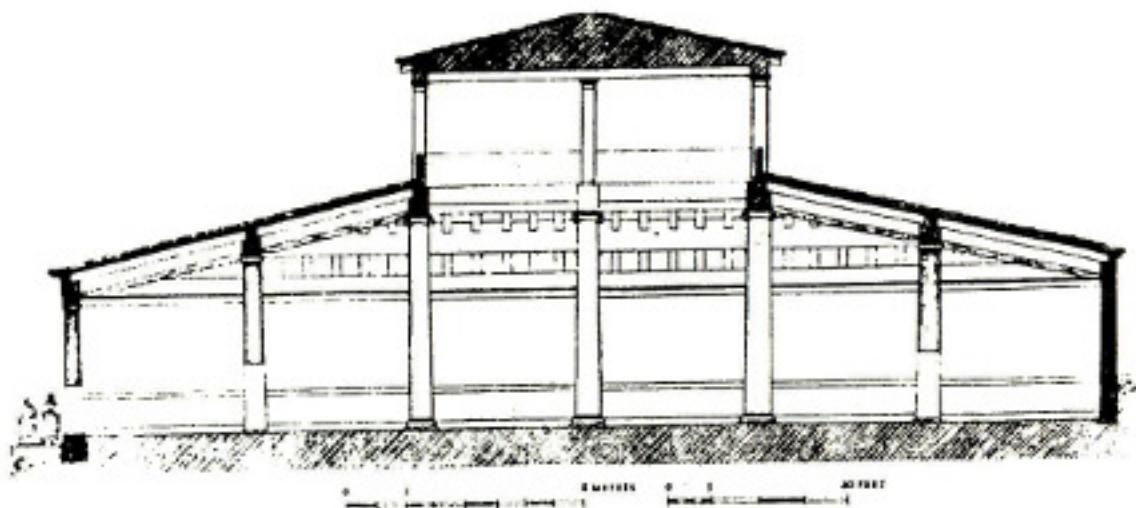
اسکیس تلستریون TELESTERION



اسکیس از تلستریون از عهد سیمونیان

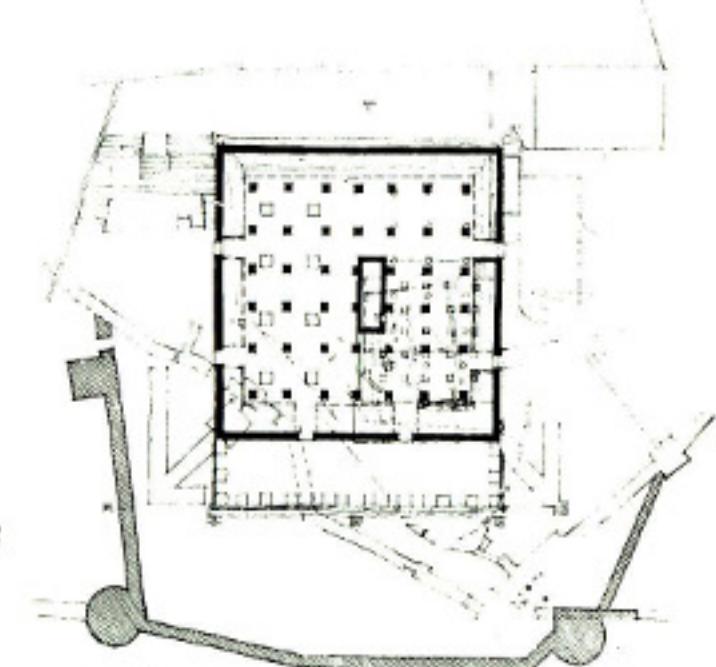


اسکیس از بنای (Telestion) مطلع عرضی از نمای طرح شده توسط ایکینو (معنیده نوای) از دوره پریکلی بلان فاز اول.



چهارگوش (مربع) و در سالن هیپوستیل درهای دوبل ورودی (ورودی مضاعف) و بخصوص وسعت بی حد و حصر و تازه آن محیط که متناسبه اجراء نگردید ولی خصوصیات ایرانی آن غیرقابل انکار است. و شاهدی است بسیار بسیار ارزشمند و گشاییست متند از نفوذ معماری هخامنشی بر معماری یونانی.

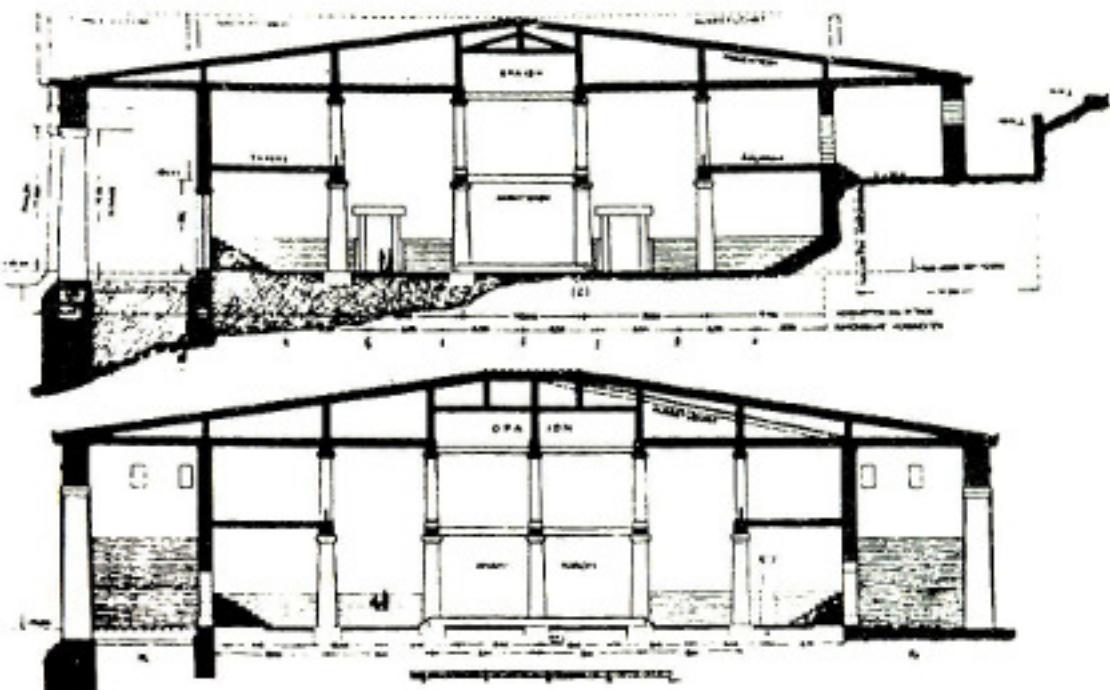
بنای فوق الذکر در مقایسه با تلسربیون پیزتر از برایر شده و فضایی جان وسیع را اشغال نموده که در تمام یونان بزرگ آنروز نظیر آن هرگز وجود نداشته است. یکارچگی در سیک ایجاد میگردد که نشانه ایکینو در فضای داخل معبد ردیف ستونهای



پله، نکه داشته باشد و از دو طبقه ستون روی هم اجتناب گردیده است و برخلاف بازسازی که محقق معروف نواحی از معبد گرده ستون مضاعف روی یکدیگر در این معبد بکار رفته است.

در هر صورت نشانه این معبد تاریخ پراز ماجراجاتی را سپری نمود و هر گز بطور کامل اجرا نگردید و این خود شاهد و گواهی است بر عظمت بی حد و حصر آن و راه حل جدیدی که مشکلات فراوانی در اجراء بوجود آورده است.

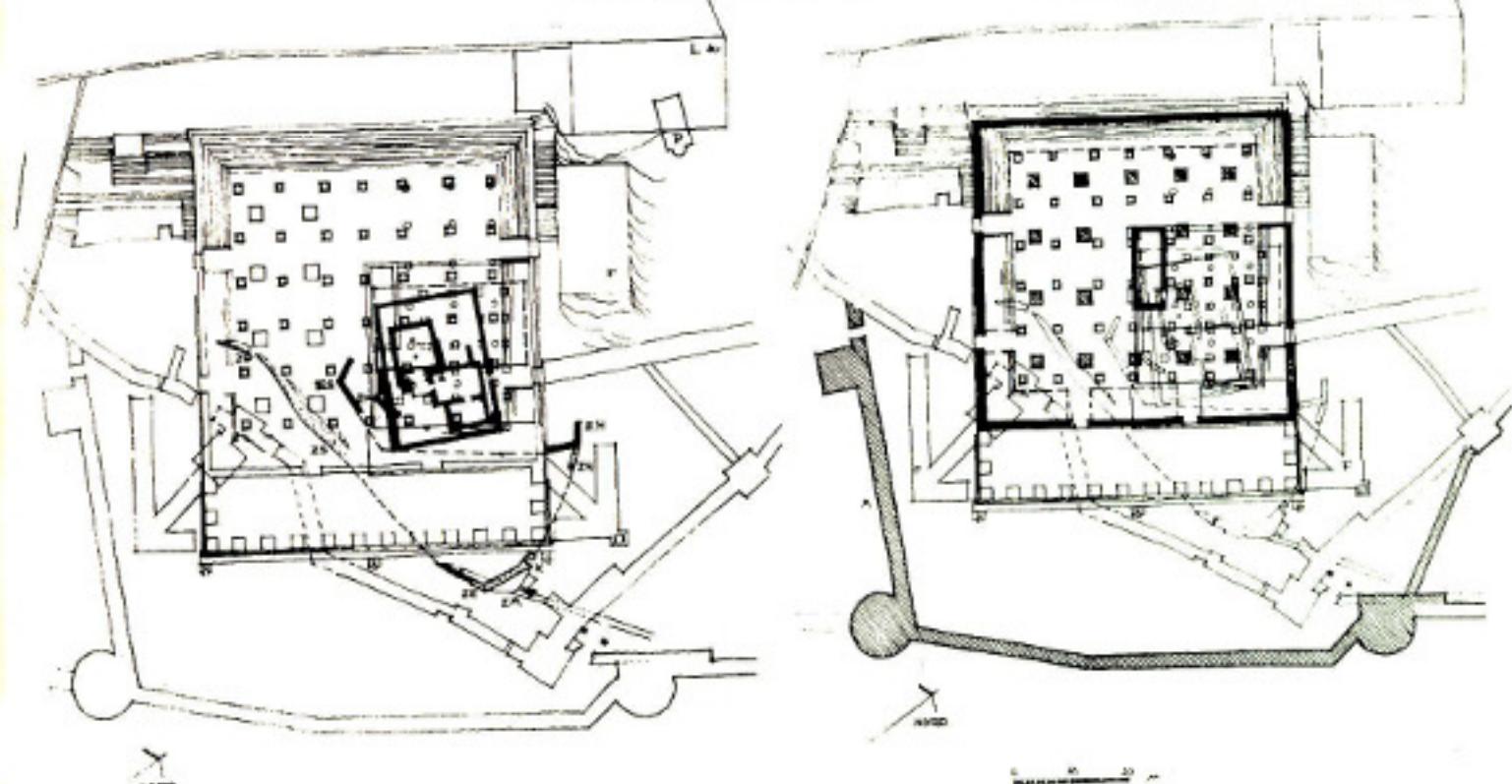
باید در نظر داشت که این تحولات و اتفاقات در مورد اجراء نشانه تلسربیون نیز دیگر گواهی است براینکه مرتبه در مدت زمان اجرای آن یونیان از خارج سرزمین خود از قدم ایرانی الهام میگرفته اند و هر آن عقیده آنها در مورد طرح نمای و تکمیل آن دچار تجدید نظر میگردیده است و بالتشیجه تغیرات متعدد در فرم معبد (طبق عکسها و دسن‌های موجود) مشاهده می‌گردد.



مقطع طولی از نمایه طرح شده توسط ایکتینو (بعقیده نواک)

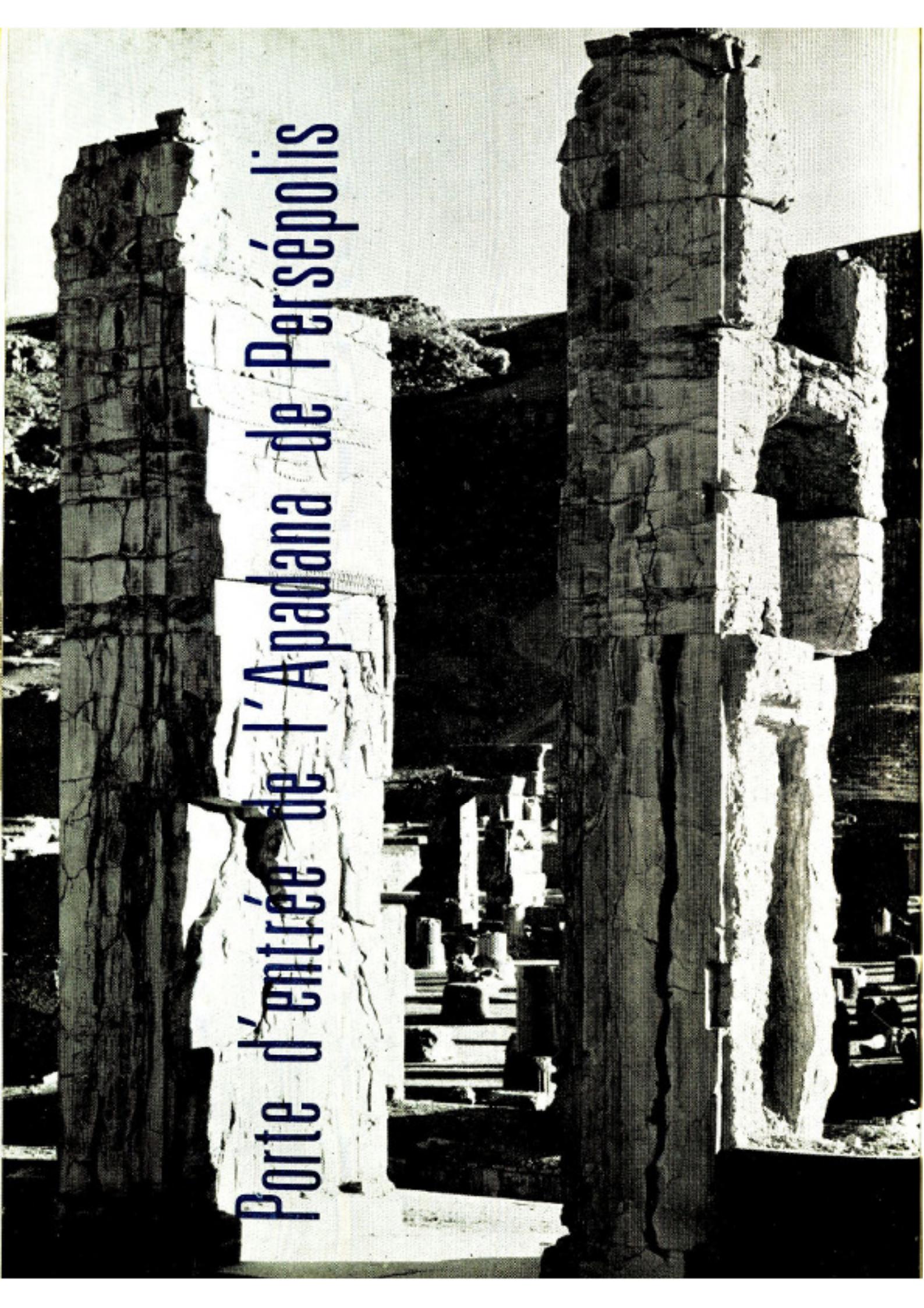
به بحث خود چنین خاتمه می‌دهیم که
بناهای پر شکوه هخامنشیان که باعث باز
شدن افق جدیدی در برایر یونانیان گردید
بدون شک اثرات خود را در پیش و توسعه
معماری یونانی که در آغاز مان بکلی عقب
مانده بود بر جای گذاشت.
فقط پس از ایجاد روابط با ایرانیان
بود که یونانی‌ها در معابد خود مشیر پیش روی
و گرمی حالت را با دادن تابستان کشیده
هخامنشی به بناهای خود ارزانی داشتند

برفسور گولیلمود آنجطیں دسا
رضا کسانی دکتر آرشیست



۱۱ - اسکیس از قسمتهای الحاقی و دخالتهای انجام
شده در قرن چهارم.

۱۰ - اسکیس (Telesterion) از عهد
بریکل بلان از فاز دوم



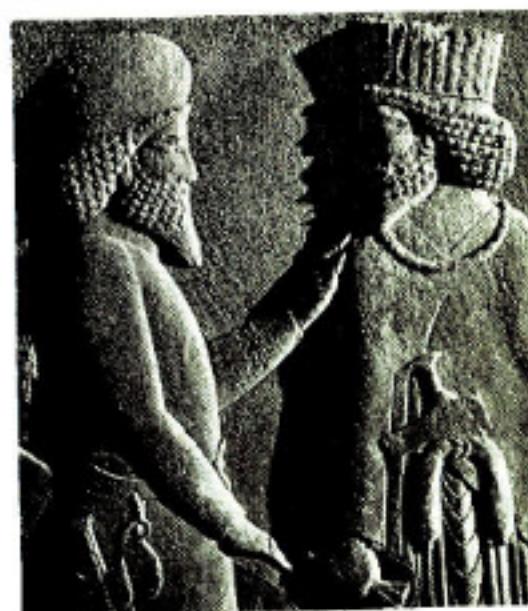
Porte d'entrée de l'Apadana de Persépolis



دو نفر از افراد ملل تابعه شاهنشاهی ایران که
هدایایی تقدیم میکنند.

دو نفر از بزرگان پارسی و مادی که با یکدیگر
صحبت میکنند.

Deux représentants des peuples
de l'Empire perse apportant
des offrandes.





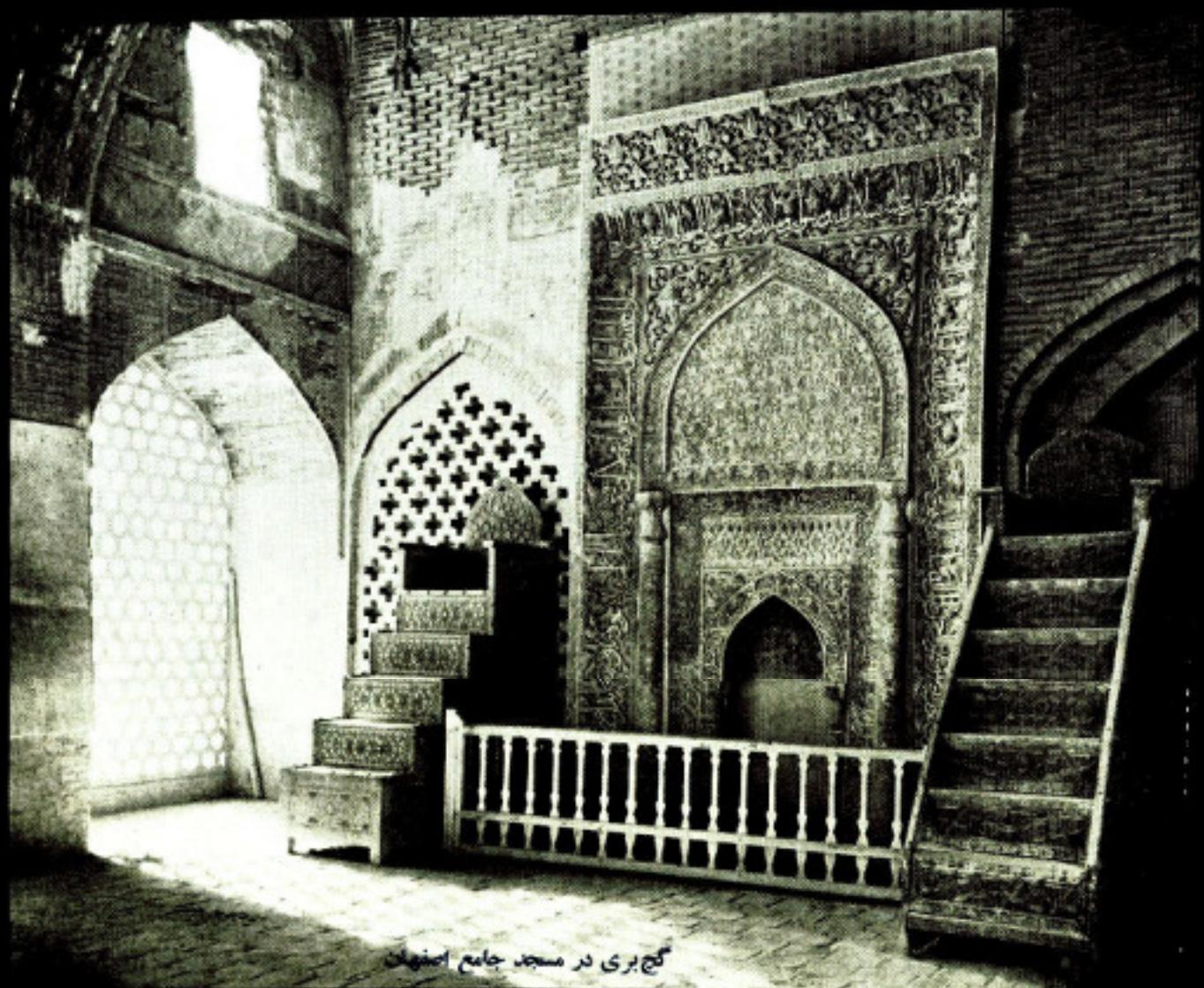
یکی از ارامنه که هدایائی
برای شاه میبرد که هدیه ظرفی
است با سر عقاب و بدنه شیر
عکس از مجموعه تخت جمشید



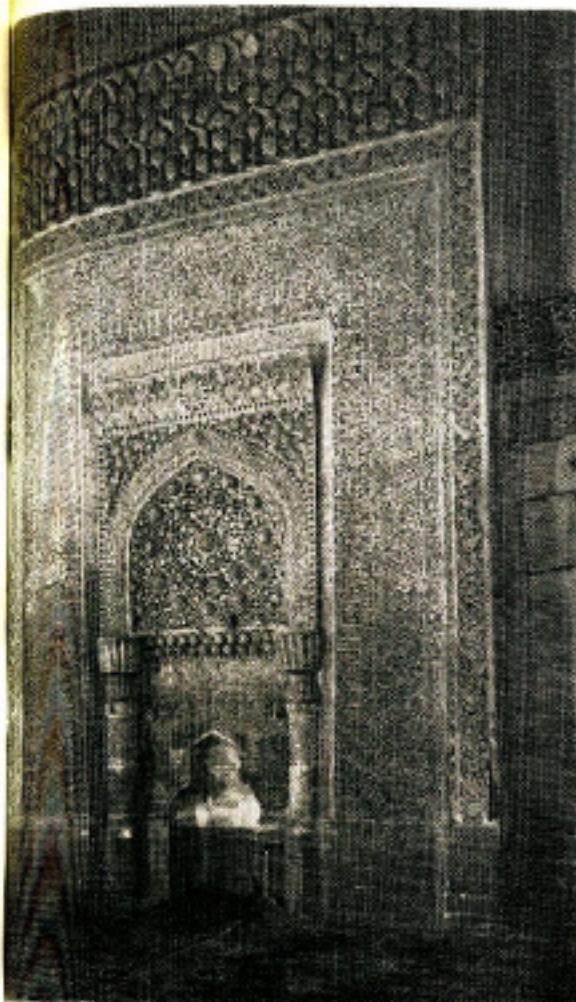


قسمتی از بدنه کاخ صدستون که ۱۴ نفر در یک سمت و ۱۴ نفر در سمت دیگر است، این افراد که نمایندگان ۳۸ ملت هستند زیر نفوذ شاهنشاهی هخامنشی بوده‌اند — در بالای این بدنه نقش بر جسته اهورامزدا دیده میشود.

Bas-relief de la salle "aux cent colonnes" avec les représentants des 28 peuples de l'Empire achéménide et la figure dominante d'Ahouramazda.

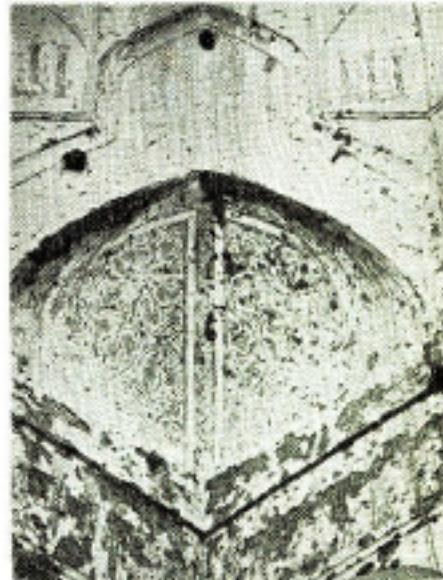
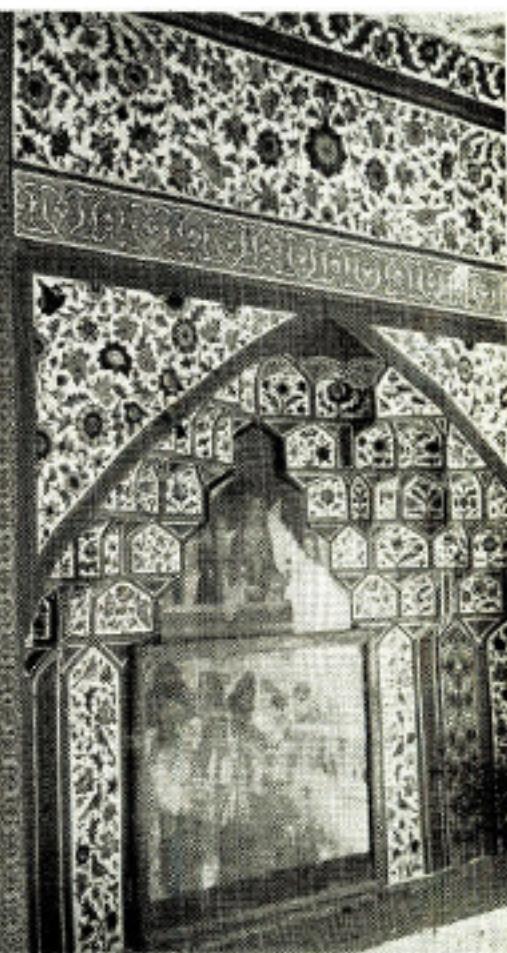


گچ بری در مسجد جامع اصفهان



چند نمونه از تزئینات گچ بری همراه با نقاشی

عکس زیر : شبستان مسجد وکیل شیراز
با ترکیب سون بوسیله حجاری روی سنگ

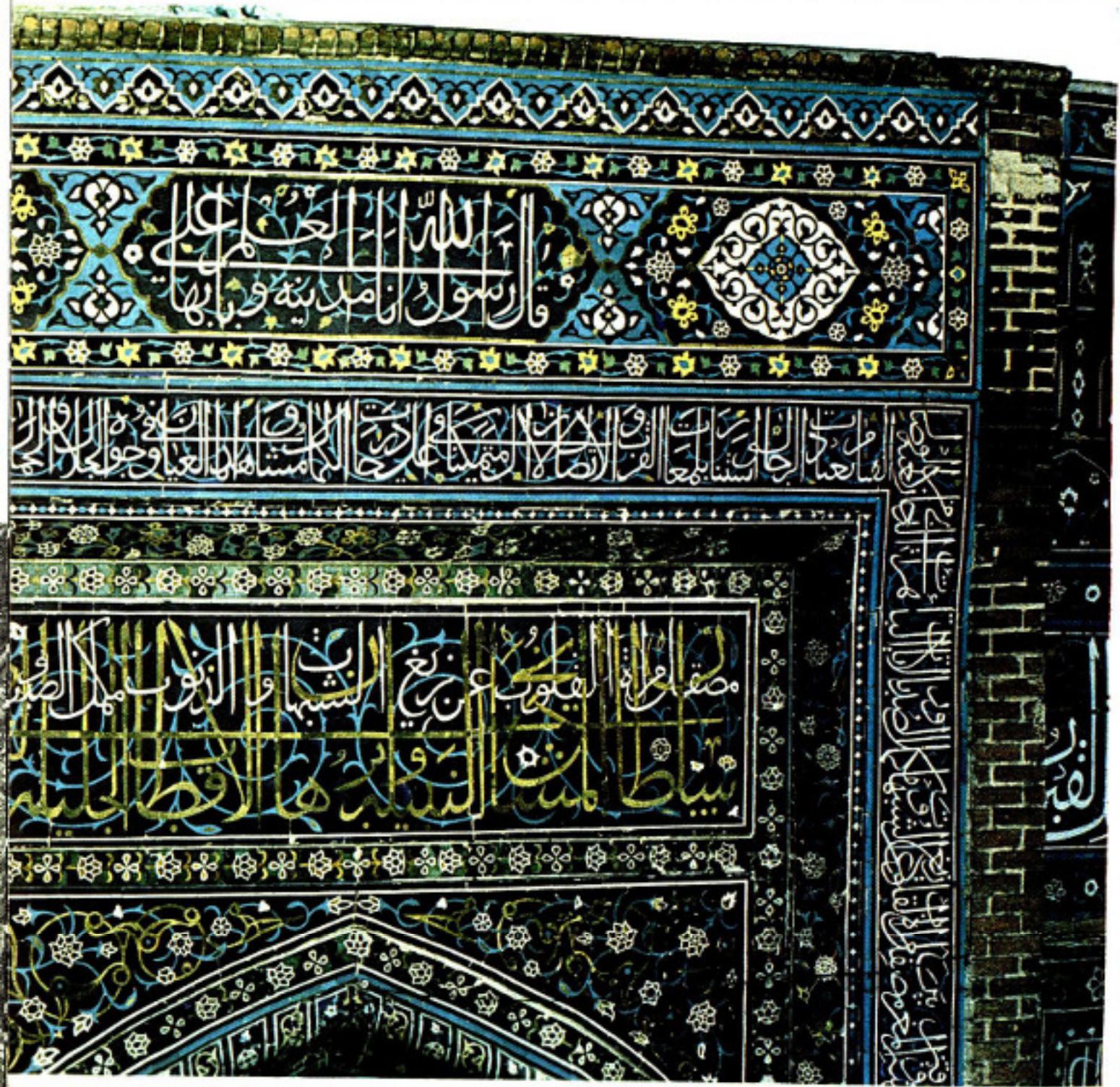


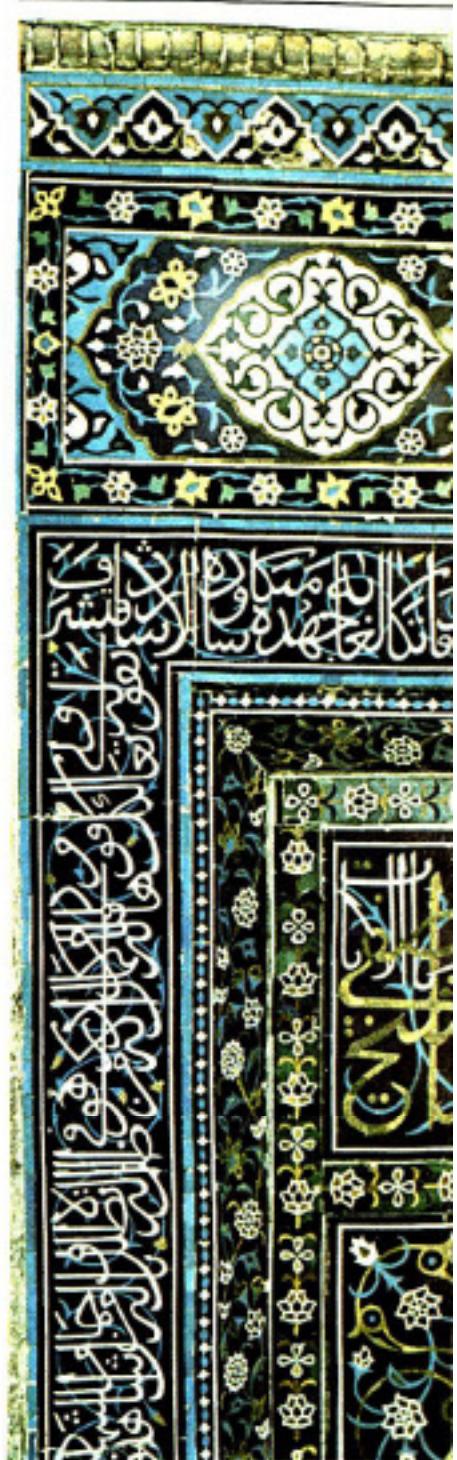


مسجد شیخ لطف الله



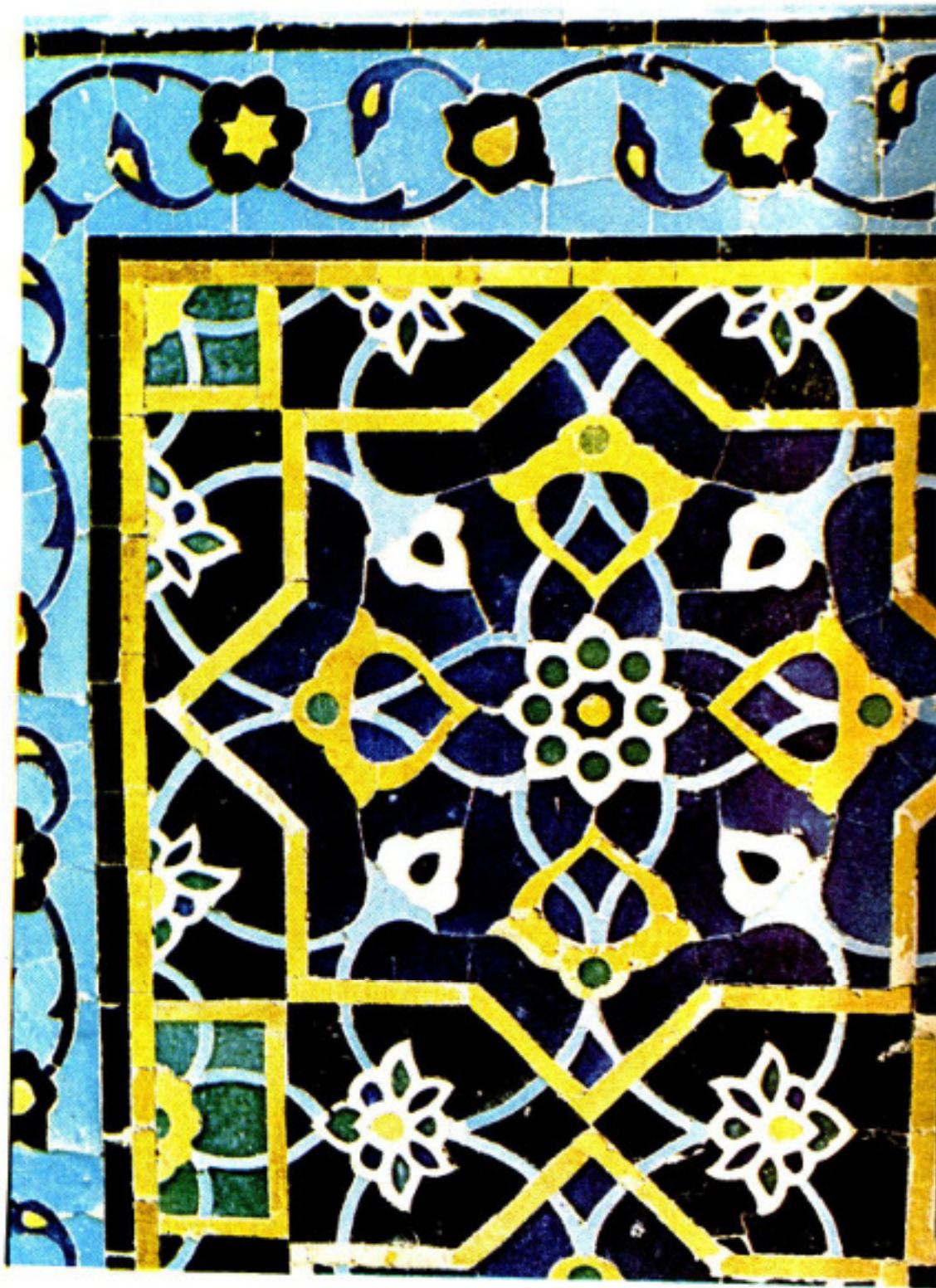
کاشیکاری در مسجد گوهر شاد مشهد





کاشیکاری در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی

شیخ صفی الدین اردبیلی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ